

سیاه پوشی در فرهنگ شیعه

طرح شبهه

۱. نافرمانی شیعیان در سیاه پوشی از دستور ائمه (ع)
۲. حرمت پوشیدن لباس سیاه
۳. تعارض روایات با عمل ائمه (علیهم السلام)

نقد و بررسی

بخش اول : علل سیاه پوشی شیعیان در عزاداری

پاسخ اجمالی

۱. سیاه پوشی همدردی با اهل بیت است
۲. سیاه پوشی برگرفته از سیره ائمه اطهار است
۳. در روایات نهی ، معلل است ؛ و هر جا علت نبود ، نهی در کار نیست!

پاسخ تفصیلی

پاسخ اول : اظهار محبت و اعلام همدردی با اهل بیت (ع)

پاسخ دوم : اقتداء به سیره اهل بیت (ع) در عزاداری ها

الف) سیاه پوشی در عزای اصحاب و رسول خدا (ص)

۱. سیاه پوشی زنان در شهادت حضرت حمزه
۲. دستور پیامبر (ص) به سیاه پوشی زنان در شهادت جعفر طیار
۳. سیاه پوشی حضرت زهرا (س) در سوگ رسول خدا (ص)

ب : سیاه پوشی در عزای اهل بیت (ع)

۱. سیاه پوشی امام حسن (ع) در شهادت امیر مؤمنان علی (ع)
۲. سیاه پوشی در شهادت امام حسن مجتبی (ع)
۳. سیاه پوشی در شهادت امام حسین (ع)

۴ . سیاه پوشی ام سلمه در مصیبت امام حسین (ع)

پاسخ سوم : تناسب پوشش سیاه با عزاداری

بخش دوم : فتاوی فقهای شیعه

فصل اول : فتاوی فقهاء شیعه بر استحباب سیاه پوشی در عزاداری

۱ . مرحوم صاحب حدائق (ه)

۲ . علامه سید محمد جعفر طباطبائی حائری (ه)

۳ . علامه شیخ محمد حسین کاظمینی (ه) معروف به محقق کاظمی

۴ . میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل (ه)

۵ . آیت الله العظمی سیستانی (مد ظله)

۶ . آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (ه)

۷ . وصیت نامه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ه)

نتیجه :

فصل دوم : فتاوی فقهاء در کراهت سیاه پوشی در نماز

دسته بندی روایات

دسته اول : روایات دال بر کراهت پوشش سیاه در نماز

دسته دوم : روایات دال بر کراهت پوشش سیاه مطلقا

نتیجه گیری فقها از روایت : کراهت لباس سیاه در نماز

۱ . شیخ طوسی

۲ . محقق حلی

۳ . شهید اول

۴ . سید علی طباطبائی

۵ . آقا رضا همدانی

۶ . صاحب جواهر

۸ . میرزا جواد تبریزی

بخش سوم: ادله استحباب سیاه پوشی، نقد تعارض و بیان موارد استثنا

فصل اول: مستند فقهاء در فتوا بر استحباب سیاه پوشی در عزاداری

بررسی سند روایت

۱. الحسن بن ظریف

۲. ظریف بن ناصح

۳. حسین بن زید

۴. عمر بن علی بن الحسن

فصل دوم: نقد تعارض در روایات

الف: روایات نفي سیاه پوشی

ب: روایات اثبات سیاه پوشی

تعارض دو دسته از روایات

پاسخ تعارض

پاسخ اول: عدم وجود شرایط تعارض در میان روایات

پاسخ دوم: تقيه در پوشش سیاه

لباس سیاه، نماد عباسیان

فصل سوم: موارد استثنا از لباس سیاه (غیر از عزاداری)

عمامه سیاه رسول خدا(ص)

عمامه سیاه امیرمؤمنان علی(ع)

عمامه سیاه امام حسن مجتبی(ع)

عمامه سیاه امام سجاد

استثنای کفش و عبای سیاه

نتیجه کلی

سیاه پوشی در فرهنگ شیعه

طرح شبیه:

یکی از اشکالاتی که وهابیون بر شیعه وارد کرده اند، پوشیدن لباس سیاه است. آنها مدعی اند که در منابع شیعه، روایات متعدد در مذمت لباس سیاه وارد شده که آن را لباس دوزخیان، فرعونیان و عباسیان (دشمنان اهل بیت) شمرده است. از طرفی، طبق روایات، رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام از لباس سفید استفاده می کرده اند و پیروانشان را به استفاده از این رنگ دستور داده اند.

اما امروز در جامعه شیعی دیده می شود که آنان برخلاف دستور پیامبر و ائمه، از رنگ سیاه به خصوص در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام استفاده می کنند و این کار در میان شیعیان به عنوان یک فرهنگ در آمده است.

شبیه ی فوق در سایت های مختلف وهابیت به صورت گسترده مطرح شده است گرچه شبیه اصلی آنها همان مدعی فوق است ولی با تأمل در سخنان آنها، می توان جزئیات دیگری را نیز استخراج کرد و به این صورت دسته بندی نمود:

1. نافرمانی شیعیان در سیاه پوشی از دستور ائمه (ع)

شیعیان بر خلاف سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله در پوشش رنگ سفید و توصیه و تأکید بر آن، در مراسم مذهبی از جمله در ایام محرم و عاشورا از لباس سیاه استفاده می کنند.

از طرف دیگر طبق روایاتی که در منابع شیعه در مذمت و منع پوشش سیاه آمده است؛ می بایست شیعیان از نواهی ائمه بر حذر و اوامر آنها را انجام دهند؛ در حالیکه آنها با این کار (پوشش سیاه) نواهی را مرتکب و از دستورات نا فرمانی می کنند.

2. حرمت پوشیدن لباس سیاه

در روایات شیعه، لباس مشکی، لباس اهل نار، فرعونیان و عباسیان قلمداد شده و صریحاً دستور داده شده که آن را نپوشید. با در نظر گرفتن این نهی، استفاده از این رنگ حرام و جایز نیست.

3. تعارض روایات با عمل ائمه (علیهم السلام):

از طرفی روایات متعدد در مذمت و منع لباس سیاه از طرف ائمه وارد شده است و از طرف دیگر، به گزارش برخی روایات، خود ائمه در بعضی موارد عملاً لباس مشکی پوشیده اند. بنا براین، بین روایات و عمل ائمه تعارض وجود دارد.

اگر عمل ائمه راملاک قرار بدهیم تکلیف روایات چه میشود و اگر جانب روایات را بگیریم، چگونه میتوان عمل ائمه را توجیه کرد.

نقد و بررسی

شبیهات فوق را می توان در چند بخش مستقل مورد نقد قرار داد:

بخش اول : علل سیاه پوشی شیعیان در عزاداری

پاسخ اجمالی :

1. سیاه پوشی همدردی با اهل بیت است

سیاه پوشی شیعیان در عزاداری، يك نوع اظهار محبت و ارادت به ساحت مقدس امامان اهل بیت علیهم السلام و اظهار همدردی با صاحب عزای اصلی و حجت الهی حضرت حجت ابن الحسن المهدی (ارواحنا فداه) است.

2. سیاه پوشی برگرفته از سیره ائمه اطهار است

سیاهپوشی شیعیان برگرفته از سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

از نگاه تاریخی، سیاه پوشی زنان در شهادت دو تن از سرداران سپاه اسلام (حضرت حمزه و جعفر طیار)، سیاه پوشی حضرت زهرا سلام الله علیها در سوگ پدر، امام حسن علیه السلام در شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و بالاخره سیاه پوشی بانوان خاندان رسالت در شام و مدینه به اتفاق زنان مدینه در شهادت امام حسین علیه السلام شهره ی تاریخی دارد. نکته مهم این است که همه این موارد تاریخی، در منظر پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام انجام شده و حتی بعضی از موارد، (مانند سیاه پوشی حضرت زهرا در عزای رسول خدا و امام حسن در شهادت پدر و امام سجاد در مدینه) فعل خود معصوم است.

بنابراین، فرمایشاتی که از رسول گرامی اسلام یا امیرالمؤمنین و دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام) در کراهت لباس سیاه وارد شده، با این سیره تخصیص خورده و شامل سیاهپوشی در عزای شهدای اهل بیت (علیهم السلام) نمی شود. بنابراین فرهنگ سیاه پوشی شیعیان برگرفته از سیره خود اهل بیت است؛ نه يك امر بدیع و مأخوذ از کار دیگران.

3. در روایات نهی، معلل است؛ و هر جا علت نبود، نهی در کار نیست!

هدف روایات از مذمت لباس سیاه و منع آن توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله، امام علی و امام صادق (علیهم السلام) تشبه به جباران تاریخ همانند فراعنه مصر و حاکمان عباسی است؛ به ویژه عباسیان که در اوائل، برای تثبیت حکومتشان به نشانه طرفداری از اهل بیت و سوگوار بودنشان در شهدای خاندان پیامبر سیاه پوشیدند؛ اما بعد از تثبیت قدرت برای ارباب مردم و اظهار شکوه و هیبت، پوشیدن این رنگ را برای کار گزاران حکومت و مردم الزام می کردند؛ تا آن جایی که پرچم حکومت نیز از رنگ سیاه انتخاب شد. آنان از این رنگ به عنوان نماد حکومت شان استفاده کردند.

از طرف دیگر با تغییر سیاست (طرفداری اهل بیت)، با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله بیشتر از بنی امیه بدرفتاری کردند و امامان معصوم را در بند کشیده و در سیاه چالها به شهادت رساندند.

به این جهت امام صادق علیه السلام در ضمن روایات، پیروانش را از پوشیدن رنگ مشکی که در آن مقطع خاص، نماد جباران تاریخ بود برحذر داشتند و از آن به لباس «اهل نار، لباس فرعون و لباس اعداء الله» تعبیر کردند و الا فی نفسہ این رنگ هیچ گونه حرمتی نداشته است.

پاسخ تفصیلی

نخستین و مهم ترین شبیه از نظر وهابیت این است که علی رغم روایات ائمه طاهرین علیهم السلام در مورد نهی و مذمت لباس سیاه و تشویق و تأکید آنان بر پوشیدن لباس سفید (چنانکه سیره خودشان هم همین بوده است)؛ شیعیان با پوشیدن لباس سیاه، به خصوص در ایام عزاداری صریحاً از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نافرمانی کرده و آنچه را ائمه نهی کرده اند مرتکب می شوند.

قبل از نقد این شبیه، تذکر این نکته لازم است که: روایات نهی و مذمت از پوشش سیاه که ممکن است در بخش نخست از آن ها یادآوری شود، یک بحث مستقل دارد که در سومین بخش، مورد بررسی قرار می گیرد. از این مدعا می توان چند پاسخ ارائه کرد:

پاسخ اول: اظهار محبت و اعلام همدردی با اهل بیت (ع)

نخستین پاسخ این است که روایات نهی و منع پوشش سیاه، مطلق نبوده و مشروط به شرائطی است. به این بیان که پوشش سیاه فی نفسه مکروه نیست و اگر رنگ سیاه مطلقاً مکروه بود، نباید در بعضی پوشش ها استثنا می شد! به عنوان مثال نباید پیامبر عمامه سیاه بر سر می کردند! و یا امام صادق علیه السلام عمامه و کفش و عبا سیاه را استثناء نمی کرد؛ با اینکه طبق روایاتی که در بخش سوم (بررسی روایات سیاه پوشی) خواهد آمد، به اقرار اهل سنت، پیامبر (ص) در فتح مکه عمامه سیاه بر سر داشتند! و...

حال به بررسی دلیل کراهت پرداخته و می گوئیم کراهت از این جهت است که سیاه، پوشش اعداء الله است؛ زیرا آنها از میان سایر رنگها این رنگ را پوشش و شعار خودشان قرار دادند بنا براین ممنوعیت و مرجوحیت پوشش سیاه، از جهت شبیه کردن خود به لباس دشمنان است.

به عبارت دیگر، حکم در این مورد و موارد مشابه آن دائر مدار قصد است؛ به این صورت که اگر قصد انسان از پوشش این رنگ، تشبیه به آنان و اخذ شعارشان باشد این مرجوح است اما اگر قصد او از پوشش به عنوان عزا و حزن بر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام باشد راجح است؛ زیرا در رابطه به **استحباب اظهار مصیبت و عزا**، عموماتی از ائمه علیهم السلام وارد شده است.

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار یک باب را تحت عنوان استحباب گریه بر امام حسین علیه السلام گشوده که در آن

حدود 20 روایت را جمع آوری کرده است، که در این جا به چند روایت اکتفا می کنیم:

يَا ابْنَ سَبِيْبٍ اِنْ سَرَكَ اَنْ تَكُوْنَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَاَفْرَحْ لِفَرَحِنَا وَعَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ اَنْ رَجُلًا اَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرَةِ اللّٰهِ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ریان بن شیبب میگوید در نخستین روز ماه محرم به محضر امام هشتم (علیه السلام) رسیدم، به من فرمود: ... ای پسر شیبب اگر می خواهی در درجات عالی بهشت با ما باشی، پس در حزن ما اندوهگین و در شادی ما مسرور باش، و بر تو باد ولایت و دوستی ما، که اگر مردی [در این جهان] به سنگی مهر ورزد، خدای متعال او را در روز قیامت با همان سنگ محشور میکند.

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 14، ص 503، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983م.

این اظهار سوگ و سرور در غم و شادی آن بزرگواران، از مصادیق بارز «احیای امر» و زنده داشتن نام و یاد و مرام آنان است.
قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.

امام هشتم (علیه السلام) فرمود: هر کس مصائب ما خاندان را یادآور شود و به خاطر آنچه که بر ما وارد شده بر ما بگرید، روز قیامت در مقاماتی که خواهیم داشت همراه ما خواهد بود؛ و هر کس با یادآوری مصائب ما بگرید و دیگران را بگریاند، دیدگان وی در روزی که چشمها می گریند نخواهد گریست؛ و هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ما احیا می شود، قلبش در روزی که دلها در آن روز می میرند، نخواهد مرد.

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 44، ص 279، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983م.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَجَلْسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابَةِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.

بکر بن محمد ازدی می گوید که: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا به دور هم می نشینید و از ما یاد می کنید؟ عرض کردم: آری، فدایت گردم!

حضرت فرمود: برآستی من این گونه مجلس ها را دوست دارم، بر شماست که یاد و خاطره ما را زنده نگاه دارید، زیرا کسی که از ما یاد کند، و یا اگر از ما در نزد او نامی برده می شود به اندازه بال مگسی (برای ما) اشک بریزد، خداوند همه گناهان او را اگر چه از کف روی دریا هم افزون تر باشد، می آمرزد.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفاي 381 هـ) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 187 ناشر: دار الرضي، قم، چاپ اول 1406 هـ

همان گونه که در روایات ملاحظه می شود برگزاري مجالس عزاداري و گريه و اشك ريختن در ماتم سرور شهيدان مورد رضایت و تأييد و دستور امام و يك امر پسندیده و راجح است؛ زیرا آثاري همانند حشر با اهل بيت، هم درجه بودن با آنان و بخشش گناهان مواردی است که تنها در این روایات به آنها اشاره شده است.

بدون تردید منشأ برپائی مجالس عزاداري همان پیوند ذاتي و الهي ولایت ائمه است که خداوند میان اهل بيت و شعیان برقرار ساخته است که در روایت ذیل خاطر نشان شده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَيَّ الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ بِنَصْرُونَنَا وَفَرَحُونَ لَفَرَحِنَا وَيَحْزُنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلَيْكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا .

خداوند متعال به زمین توجه کرد ما را برگزید و برای ما پیروانانی را برگزید که ما را یاری می کنند و در شادی ما شادمان و در حزن ما اندوهناک اند و اموال و جانیشان را در راه ما بذل می کنند آن ها از ما میند و نزد ما [بر می گردند].

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 10 ص 114، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983م

و هدف از برپائی این گونه مجالس، احیاء امر اهل بيت است؛ زیرا شعیان با شرکت در این مجالس اعلام می دارد که آنان در غم و مصیبتی که بر اهل بيت وارد شده شریک است و به نشانه اعلام همدردی علاوه بر این که قلب شان محزون و گرفته است در ظاهر نیز لباس سیاه برتن می کند و زبان حال و سخن دل هر شیعه در ماتم سید الشهدا (ع) این است:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً

ای کاش با آنها بودم و به رستگاری بزرگ می رسیدم.

الحر العاملي، محمد بن الحسن (متوفاي 1104هـ)، تفصيل وسائل الشيعة إلي تحصيل مسائل الشريعة، ج 14 ص 418 تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، 1414هـ

پاسخ دوم: اقتداء به سیره اهل بيت (ع) در عزاداري ها

شعیان در سیاهپوشی نه تنها از دستورات رسول خدا صلی الله علیه وآله و امامان اهل بيت عليهم السلام سر پیچی نکرده اند؛ بلکه در این کار به سیره و روش آنان اقتداء کرده اند.

برای اثبات این مطلب تاریخ اسلام را بررسی کرده و از لابلاي منابع خود اهل سنت فراهایی را باز خوانی می نمایم.

موضوع (سیاه پوشی اهل بيت) را می توان در دو مقطع حساس تاریخی بررسی کرد:

الف) سیاه پوشی در عزای اصحاب و رسول خدا (ص)

قبل از شهادت سیدالشهداء علیه السلام در صفحه تاریخ حوادث ناگوار و جان فرسایي برای پیامبر و اهل بيت عليهم السلام رخ داد. بنا به روایت مورخان در همه این رخدادها خاندان پیامبر، در سوگ شهداء و بزرگانشان سیاه پوش شدند.

توجه به نمونه های ذیل وجود این سیره را اثبات می کند :

۱. سیاه پوشی زنان در شهادت حضرت حمزه

در میان جنگ های صدر اسلام غمبار ترین جنگ، نبرد «احد» است که در آن حدود 70 نفر از سپاه اسلام به شهادت رسید و از جمله کشته شدگان این واقعه، حضرت حمزه عموی بزرگوار پیامبر اسلام است.

بعد از این که پیامبر که خود در این جنگ مجروح شده بود با کوله باری از اندوه به مدینه برگشت، در فضای آکنده از غم، زنان در مصیبت شهیدایشان اشک می ریختند و نوحه سرایی می کردند. زنان مدینه به دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله در شهادت حمزه، این سردار فداکار اسلام نیز گریه کرده و جامه سیاه پوشیدند.

ازهری از لغت شناسان معروف سیاه پوشی دختر ام سلمه را گزارش کرده است:

وفي الحديث: (أَنَّ بِنْتَ أَبِي سَلْمَةَ تَسَلَّبَتْ عَلَيَّ حِمْزَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، فِدَعَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمَرَهَا أَنْ تَنْصِيَ وَتَكْتَجِلَ).

[زینب] دختر ابی سلمه [ربیبه پیامبر] بر حمزه - که رضوان خدا بر آنها باد - سه روز گریست و لباس سیاه که ویژه عزاداری است، پوشید. سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وی را فرا خواند و به وی فرمان داد که بر موی خویش شانه زند و سرمه در چشم کشد

الأزهري، أبو منصور محمد بن أحمد، الوفاة: 370هـ، تهذيب اللغة، ج 12، ص 171، تحقيق: محمد عوض مرعب، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - 2001م،

معنی « سلاب » در کتب اهل سنت

در روایت فوق، واژه « تسلبت » به معنای لباس سیاه مخصوص عزاداری است که زنان آن را می پوشیده اند.

ابن سلام هروی، صاحب غریب الحدیث نیز می نویسد:

سلاب، یرید الثیاب السود التي تلبسها النساء في المأتم.

مراد از سلاب، لباس سیاهی است که زنان در عزاداری آن را می پوشند.

الهروي، أبي عبيد القاسم بن سلام، متوفاي (224)، غریب الحدیث، ج 1، ص 190، تحقيق: محمد عبد المعید خان، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، چاپخانه: مجلس دائرة المعارف العثمانية - حیدر آباد الدکن الهند، طبع الأولی 1384

ابن سیده مرسی، می گوید:

والسَّلابُ والسَّلْبُ ثيابُ سودٌ يلبسها النساءُ للإحدادِ

سلاب و سلب لباس سیاه است که زنان در عزاداری می پوشند.

المرسي، ابوالحسن علي بن إسماعيل بن سیده (متوفاي 458هـ)، المحکم والمحیط الأعظم، ج 8، ص 505، تحقيق: عبد الحمید هنداوي، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة: الأولى، 2000م.

زمخشری - ادیب و مفسر مشهور قرن 5 و 6 هجری - روایت فوق را با اندکی تفاوت نقل کرده است:

بکت بنت ام سلمة علي حمزة (رضي الله عنهما) ثلاثة ايام **وتسلبت** فدعاها رسول الله (صلي الله عليه وآله) فأمرها أن تنصي وتكتحل.

و بعد از نقل این روایت می نویسد:

تسلبت: لبست السلاب و هو سوادُ المُجد. وقيل: خرقة سوداء كانت تغطي رأسها بها.

سلاب، جامه سیاهی است که زن عذار بر تن می کند و بنا به قولی، پارچه سیاهی که سر خویش را با آن می پوشاند.

الزمخشري الخوارزمي، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفى 538هـ)، الفائق في غريب الحديث، تحقيق: علي محمد بجاوي و محمد ابوالفضل ابراهيم، ناشر: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، طبع الثالثه 1399 - 1979).

این منظور در لسان العرب «سلاب» را «لباس سیاه» معنا کرده و سپس به روایت پوشیدن لباس سیاه توسط اسماء بنت عمیس در مصیبت جعفر بن ابی طالب (که در نمونه بعدی به آن اشاره خواهد شد) و ام سلمه در شهادت حضرت حمزه سید الشهداء استناد می کند:

السلاب السلب ثياب سود تلبسها النساء في المآثم واحدها سلبه سلبت المرأة وهي مسلب إذا كانت محدا تلبس الثياب السود للحداد تسلبت لبست السلاب وهي ثياب المآثم السود.

وفي الحديث عن أسماء بنت عميس أنها قالت لما أصيب جعفر أمرني رسول الله فقال تسلمي ثلاثا ثم اصنعي بعد ما شئت.

وفي حديث أم سلمة أنها بكت علي حمزة ثلاثة أيام وتسلبت.

وقال اللحياني المسلب السلب السلوب التي يموت زوجها أو حميمها فتسلب عليه تسلبت المرأة.

سلاب و سلب، لباس سیاهی است که زنان در عذار می پوشند. مفرد مؤنث این واژه، سلبه است. سلبت المرأة به زنی گفته می شود که برای عذار می پوشد. تسلبت لبست السلاب همان لباس سیاه ماتم است.

در روایتی، اسماء بنت عمیس می گوید: هنگامی که جعفر طیار به شهادت رسید؛ پیامبر به من فرمود: سه روز جامه سیاه برتن کن بعد از آن هرچه خواستی انجام بده.

و در روایت ام سلمه آمده که آن بانو بر حضرت حمزه سه روز گریه کرد و سیاه پوشید.

لحياني مي گوید: مسلب، سلب و سلوب زنی است که شوهر یا حامی او مرده باشد پس در عزای او سیاه ببوشد.

الأفريقي المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفى 711هـ)، لسان العرب، ج 1، ص 472 - 473، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

۲. دستور پیامبر (ص) به سیاه پوشی زنان در شهادت جعفر طیار

جعفر طیار یکی دیگر از یاران مخلص پیامبر و بازوی پرتوان سپاه اسلام بود که در جنگ موته به شهادت رسید و این ضایعه

بزرگ، رسول خدا را در سوگ نشانند. از این رو، با حضور در خانه جعفر، ضمن دلداري از خانواده و فرزندان او به اسماء بنت عمیس دستور داد تا در عزای شهادت آن عزیز جامه سیاه بپوشد. این قطعه تاریخی نیز در منابع مهم اهل سنت با دو مضمون نقل شده است.

مضمون اول : «البسي ثوب الحداد»

احمد حنبل در مسند خود می نویسد :

عن أسماء بنت عميس قالت لما اصيب جعفر أتنا النبي صلي الله عليه وسلم فقال أمي البسي ثوب الحداد ثلاثاً ثم اصنعي ما شئت.

اسماء بنت عمیس می گوید: هنگامی که جعفر به شهادت رسید، رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود: مادر من! سه روز جامه عزا در بر کن پس از آن هر چه خواستی انجام بده.

أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، (متوفى 241) مسند، ج 6، ص 438 ح 27508، ناشر: مؤسسة قرطبة مصر.

معني حداد :

از نظر لغت واژه (حداد) به معنای ترک زینت و آرایش و بوی خوش و در بر نمودن لباس سیاه است. حدث المرأة علي زوجها؛ یعنی زن پس از مرگ شوهر زینت و آرایش را ترک کند و در اندوه او لباس حزن که همان لباس سیاه است برتن کند. ابن منظور در این باره می گوید :

والحدادُ: ثياب المأتم السود. والحادُّ والمُحدُّ من النساء: التي تترك الزينة والطيب؛ وقال ابن دريد: هي المرأة التي تترك الزينة والطيب بعد زوجها للعدة. حَدَّتْ تَحْدُ وَتَحْدُ حِدًا وَحِدَادًا، وَهُوَ تَسْلُبُهَا عَلِي زَوْجِهَا.

حداد لباس سیاه ماتم است . حاد و محد زنانی است که آرایش و استعمال بوی خوش را ترک می کند. ابن درید گفته است: حاد و محد زنی است که آرایش و بوی خوش را بعد از فوت شوهر به خاطر عده ترک می کند. حدث، تحد و حداد لباس سیاه در بر کردن زن در فراق شوهر است.

ابن منظور الأفریقی المصری، محمد بن مکرم الوفاة: 711، لسان العرب ج 3، ص 143، دار النشر: دار صادر- بیروت، الطبعة: الأولى.

عکبری بغدادی ادیب و لغت شناس مشهور عرب، در دیوان خود می نویسد:

والحداد ثياب سود تلبس عند الحزن ومنه قوله عليه الصلاة والسلام لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تحد علي أحد فوق ثلاث ليال إلا المرأة تحد علي زوجها.

حداد لباس سیاهی است که در هنگام حزن و اندوه پوشیده می شود. و از این قبیل است گفته رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود: برای هیچ زنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد جایز نیست در مرگ کسی فراتر از سه روز لباس سیاه بپوشد؛ مگر

زني كه شوهرش مرده باشد.

العكبري البغدادي، أبو البقاء محب الدين عبد الله بن الحسين بن عبد الله (متوفى 616هـ)، ديوان المتنبي، ج 1، ص 353، تحقيق: مصطفى السقا/إبراهيم الأبياري/عبد الحفيظ شلبي، ناشر: دار المعرفة-بيروت.

و در جاي ديگر مي گويد:

ربات الحداد لابسات الحداد وهي ثياب سود يلبسها النساء ربات الحزن وهن اللواتي ماتت أزواجهن للحديث الصحيح حديث زينب ربيبة رسول الله بنت أم سلمة عن أمها وأم حبيبة عنه لا يحل لامرأة أن تحد علي ميت فوق ثلاث ليال إلا علي زوج أربعة أشهر وعشرا .

ربات الحداد، زناني است كه حداد مي پوشند و حداد لباس سياهي است كه زنان آن را مي پوشند. ربات الحزن، آن زناني است كه شوهرهاي شان مرده است به خاطر حديث صحيح روايت زينب ربيبة رسول خدا صلي الله عليه وآله دختر ام سلمه از مادرش و ام حبيبه از رسول خدا كه فرمود: براي هيچ زني جايز نيست كه براي ميتي فراتر از سه شب حداد نمايد؛ مگر حداد زن براي شوهر به مدت چهار ماه و ده روز.

العكبري البغدادي، أبو البقاء محب الدين عبد الله بن الحسين بن عبد الله (متوفى 616هـ)، ديوان المتنبي، ج 4، ص 296، تحقيق: مصطفى السقا/إبراهيم الأبياري/عبد الحفيظ شلبي، ناشر: دار المعرفة-بيروت.

و ابن اثير مي گويد:

الحداد: ترك الزينة. ومنه الحديث الحداد للمرأة المتوفي عنها زوجها. ومنه حدث المرأة علي زوجها تحد حدادا بالكسر، فهي حاد بغير هاء: إذا حزنْتَ عليه ولبست ثياب الحزن وتركت الزينة.

حداد ترك زينت است. حدث المرأة علي زوجها تحد حدادا بالكسر يعني؛ زني كه بر مرگ شوهر محزون شود و لباس حزن بپوشد و زينت را ترك نمايد.

الجزري، أبو السعادات المبارك بن محمد (متوفى: 606) (النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 1، ص 352، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ناشر: المكتبة العلمية-بيروت-1399هـ - 1979م).

و فيومي در مصباح المنير، نظير عبارات نهايه را آورده است:

حَدَّتْ: الْمَرْأَةُ عَلَيَّ زَوْجِهَا (تَحَدُّ) وَ (تَحَدُّ) (حَدَادًا) بِالْكَسْرِ فَهِيَ (حَادٌ) بِغَيْرِ هَاءٍ وَ (أَحَدَتْ إِخْدَادًا) فَهِيَ (مُحَدُّ) وَ (مُحَدَّةٌ) إِذَا تَرَكَتِ الزَّيْنَةَ لِمَوْتِهِ.

الفیومی، أحمد بن محمد بن علي المقري (الوفاة: 770هـ)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ص 125 (ماده حد)، دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت.

مضمون دوم : «تسليبي ثلاثا ثم أصنعي ما شئت»

ابن جعد از علمای بنام اهل سنت در مسند خویش که جزو اولین کتب روایی اهل سنت است می نویسد:

حدثنا محمد بن بكار بن الريان نا محمد بن طلحة عن الحكم بن عتيبة عن عبد الله بن شداد بن الهاد عن أسماء بنت عميس أنها قالت لما أصيب جعفر أمرني رسول الله صلى الله عليه وسلم قال **تسليبي ثلاثا ثم أصنعي ما شئت**

اسماء بنت عمیس می گوید: هنگامی که جعفر طیار به شهادت رسید؛ پیامبر به من فرمود: سه روز جامه سیاه برتن کن بعد از آن هر چه خواستی انجام بده.

الجوهري البغدادي، علي بن الجعد بن عبيد أبو الحسن الوفاة: 230، مسند ابن الجعد ج 1، ص 398 ش 2714، تحقيق: عامر أحمد حيدر، ناشر: مؤسسة نادر - بيروت - الطبعة: الأولى، 1410-1990،

این روایت با همین مضمون در بسیاری از کتب اهل سنت، نقل شده است:

الأنصاري القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد (متوفاي 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج 3، ص 181 ناشر: دار الشعب، القاهرة.

ابن كثير دمشقي، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشي (متوفاي 774هـ)، البداية والنهاية، بيروت، ج 7، ص 97، ناشر: مكتبة المعارف،

الشوكاني، محمد بن علي بن محمد (متوفاي 1255هـ)، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، ج 7، ص 97 ناشر: دار الجيل، بيروت

1973

همانطوری که گذشت، «سلاّب» به معنی پوشیدن لباس عزاداری است. همچنین در ذیل این روایت، صریحاً علمای اهل سنت، تسلیبی را به پوشیدن لباس سیاه تفسیر کرده اند.

ابن منظور بعد از ذکر این روایت می گوید:

تسليبي أي البسي ثياب الحداد السود وهي السلاب تسلبت المرأة إذا لبسته وهو ثوب أسود تغطي به المحد رأسها.

تسلیبی یعنی: لباس سیاه ماتم بپوش، و آن همان سلابی (لباسی سیاهی) است که زن می پوشد و آن همان لباس سیاهی است که زن عزادار، سرش را با آن می پوشاند.

الأفريقي المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفاي 711هـ)، لسان العرب، ج 1، ص 472 - 473، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

در هردو روایت، واژه های «تسلیبی» و «الحداد» به معنای جامه سیاه مخصوص عزاداری است که اسماء به دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله آن را پوشید و آرایش و زینت را در غم مصیبت جعفر، ترک کرد.

۳. سیاه پوشی حضرت زهرا (س) در سوگ رسول خدا (ص)

غمبارترین روزها در صدر اسلام، روز رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله بود. در ارتحال جانسوز او، زنان و دختر گرامی اش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها لباس سیاه برتن کردند.

حضرت زهرا نه تنها در ایام رحلت پیامبر، بلکه تا آخرین روزهای عمر خود عزادار پدر بود و شب و روز در ماتم او اشک می ریخت و ابراز اندوه می کرد. روایت ذیل عمق دلسوختگی او را چنین ترسیم می کند:

فضه مي گوید: حضرت صديقه طاهره (عليها السلام) روز هشتم رحلت پيامبر (صلي الله عليه وآله) در جمع زنان بني هاشم، بر سر قبر آن حضرت با آن حالت اندوهناك در خطابي به پدر فرياد برآورد:

ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبَتَاهُ انْقَطَعَتْ بِكَ الدُّنْيَا بِأَنْوَارِهَا وَزَوَتْ زَهْرَتَهَا وَكَانَتْ بِيَهْجَتِكَ زَاهِرَةً فَقَدِ اسْوَدَّ نَهَارُهَا فَصَارَ يَخْكِي خَنَادِسَهَا رَطْبَهَا وَيَابِسَهَا... وَالثَّكْلُ شَامِلُنَا وَالْبُكَاءُ قَاتِلُنَا وَالْأَسَى لَازِمُنَا.

ثُمَّ زَفَرَتْ زَفْرَةً وَأَنْتَ أَنْتَ كَادَتْ رُوحَهَا أَنْ تَخْرُجَ... .

پدر جان! با رفتن تو دنیا روشني هاي خويش را از ما برگرفت و نعمت و خوشبختي را از ما دریغ کرد. جهان، به حسن و جمال تو، روشن و درخشان بود (ولي اکنون با رفتن تو) روز روشن آن سياه گشته و تر و خشکس حکايت از شبهاي بس تاریک دارد... و حزن و اندوه، همواره، ملازم ماست..

سپس آن بانو فريادي زد و ناله اي کرد که نزديک بود روح از بدنش مفارقت نمايد.

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، 174/43 - 180 تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م

حضرت زهرا سلام الله عليها طبق روايت معتبر، مشتري از خاک قبر مطهر پدر را بر دیدگان خود گذاشته و فرمود:

ما ذا علي من شِمِّ تربة احمد ان لا يشمّ مدي الزمان غواليا

صَبَّتْ عَلَيَّ مِصَابِبَ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامَ صَرْنِ لِيَالِيَا.

سزاوار است کسی که تربت احمد را بوييد در طول روزگار عطري نبويد. ناگواري ها و مصيبت هاي که بر من فرود آمده اگر بر روزهاي روشن وارد شده بود شب تار مي گرديد.

ابن شهر آشوب، (متوفاي 588هـ)، مناقب آل أبي طالب ج 1 ص 208 تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة الحيدرية- النجف الأشرف 1376- 1956 م.

تأثير داغ جانسوز رحلت رسول خدا صلي الله عليه وآله در حدي بود که ريحانه اي او در غمش دائماً گريان، دلسوخته و بيمار بود و قامتش خم شد.

وَرَوِي أَنَّهُمَا مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ نَاحِلَةَ الْجِسْمِ مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ بَاكِئَةَ الْعَيْنِ مُحْتَرِقَةَ الْقَلْبِ يُعْشِي عَلَيْهَا سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَتَقُولُ لَوْلَدَيْهَا أَيْنَ أَبُوكُمْ الَّذِي كَانَ يُكْرِمُكُمْ وَيَحْمِلُكُمْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ أَيْنَ أَبُوكُمْ الَّذِي كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمْ فَلَا يَدْعُكُمْ تَمْشِيَانِ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَلَا أَرَاهُ يَفْتَحُ هَذَا الْبَابَ أَبَدًا وَلَا يَحْمِلُكُمْ عَلَيَّ عَاتِقِهِ كَمَا لَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ بِكُمْ ثُمَّ مَرِضَتْ وَمَكَتَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

آن حضرت، پس از مرگ پدرش (پيامبر) پيوسته سرش بسته شده، بيمار تن، شکسته قامت، گريان چشم، و سوخته دل بود. به گونه اي که ساعت به ساعت بي هوش مي گشت و به دو فرزندش، حضرت حسنين عليهم السلام مي فرمود:

آن پدري (يعني جد) که شما را گرامي مي داشت و مرتب شما را در آغوش مي گرفت کجا است؟ کجا است آن جد تان که

مهربان تر از همه بر شما بود ، همان کسی که نمی گذاشت روی زمین راه بروید ، افسوس که هرگز نخواهم دید جد شما در خانه مرا باز نماید و شما را بدوش خود بگیرد ، در صورتی که دائماً این عمل را انجام می داد . سپس حضرت زهراي اطهر مریض شد و مدت چهل شب مریضی او ادامه پیدا کرد .

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 43، ص 182 تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م

در این روایت تعبیر (مَعْصَبَةُ الرَّأْسِ) به کار رفته است . معصبه از ریشه «عصب» است و عصابه در لغت دو معنی دارد: یکی به معنای جماعتی از مردم . دوم به معنای عمامه و آن چیزی که با آن سر را می بندند . مانند پارچه یا دستمال و ... در این جا همان معنای دوم مراد است .

راغب اصفهانی می گوید:

وَالْعَصَابَةُ: مَا يُعَصَبُ بِهِ الرَّأْسُ وَالْعِمَامَةُ،

الراغب الإصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد (متوفاي 502هـ) ، المفردات في غريب القرآن، ص 569 تحقيق: محمد سيد كيلاني ، ناشر: دار المعرفة - لبنان .

فیومی در المصباح المنیر می گوید:

وَالْعَصَابَةُ (الْعِمَامَةُ أَيْضاً وَالْجَمَاعَةُ مِنَ النَّاسِ وَالْخَيْلِ وَالطَّيْرِ وَالْعَصَابَةُ) مَعْرُوفَةٌ وَالْجَمْعُ (عَصَائِبُ) وَتَعْصَبُ (وَعَصَبٌ) رَأْسَهُ بِالْعَصَابَةِ أَيْ شَدَّهَا .

عصابه به معنای عمامه و گروهی از مردم و اسب و پرندگان است . عصابه معروف است و جمع آن عصاب است و تعصب و عصب یعنی ؛ سرش را با عمامه محکم بست .

الفيومي، أحمد بن محمد بن علي المقرئ (الوفاة: 770هـ)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ص 413 (ماده حد)، دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت .

قطعاً این پوشاندن سر ، چیزی از غیر از پوشاندن عادی و حجاب مرسوم بوده است ، که بر همه زنان واجب است! زیرا این خصوصیت ، برای بعد از رحلت پیامبر (ص) آمده است ، و اگر قبل از رحلت نیز فاطمه زهرا (س) اینگونه بود ، ذکر آن در روایت معنی نداشت .

حال مقصود از آن چیست؟ برای روشن شدن مقصود، کلامی را که سابقاً از ابن منظور در ترجمه ماده «سلب» آمده بود، دوباره نقل می کنیم:

در میان زنان عرب در آن زمان رسم این بود که در مصیبت از دست دادن عزیزش پارچه ی سیاه به نشانه عزا بر سر می کردند:

تسلبي أي البسي ثياب الحداد السود وهي السلاب تسلبت المرأة إذا لبسته وهو ثوب أسود تغطي به المحد رأسها.

تسلبي يعني؛ لباس سياه ماتم بپوش، و آن همان سلابي (لباسي سياهي) است كه زن مي پوشد و آن همان لباس سياهي

است كه زن عزادار، سرش را با آن مي پوشاند.

الأفريقي المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفاي 711هـ)، لسان العرب، ج 1، ص 472 - 473، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

طبق این روایت حضرت زهرا سلام الله علیها نیز به رسم آن زمان، بیوسته این پارچه سیاه را بر سر داشت. بنا بر این حضرت زهرا سلام الله علیها با این گونه ی مخصوص در سوگ پدر سیاه پوش شد.

روایت ذیل هم شبیه این مطلب را ثابت می کند:

هنگامی که عمر با یارانش به در خانه امیرمومنان (علیه السلام) آمد تا در صورت ادامه امتناع امیرالمؤمنین از بیعت با خلیفه اول، حضرت را به زور به مسجد ببرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) پشت در نشسته بود و عصابه بر سر بسته بود و بدن شریفش در عزای رسول الله بیمار و نحیف شده بود.

ثُمَّ أَقْبَلَ [عمر] حَتَّى انْتَهَى إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَفَاطِمَةَ قَاعِدَةَ خَلْفِ الْبَابِ قَدْ عَصَبَتْ رَأْسَهَا وَنَجَلَ جِسْمَهَا فِي وَفَاةٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

فَأَقْبَلَ عُمَرُ حَتَّى ضَرَبَ الْبَابَ ثُمَّ نَادَى يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ افْتَحِ الْبَابَ فَقَالَ فَاطِمَةُ يَا عُمَرُ مَا لَنَا وَلَكَ لَا تَدْعُنَا وَمَا نَحْنُ فِيهِ قَالَ افْتَحِي الْبَابَ وَإِلَّا أُحْرِقْنَا عَلَيْكُمْ...

عمر همچنان رفت و نزد در خانه علی که رسید دق الباب کرد و فریاد زد: ای پسر ابوطالب! در را باز کن! حضرت زهرا ی اطهر به وی فرمود: ما را با توجه کار، چرا نمی گذاری به عزاداری خویشتن مشغول باشیم؟! عمر بحضرت فاطمه گفت: در را باز کن! و الا خانه را با شما آتش می زنم!

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 43، ص 198 تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403-1983 م

ب: سياه پوشي در عزاي اهل بيت (ع)

نمونه هایی از سياه پوشي در عزاي سرداران سپاه اسلام و پيامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) بيان شد؛ در اين قسمت به نمونه هاي ديگري از سياه پوشي اهل بيت عليهم السلام در سوگواري امان عليهم السلام اشاره مي کنيم تا روشن شود كه سياه پوشي يك سنت ديرينه در ميان خاندان رسول خدا صلي الله عليه وآله است.

۱. سياه پوشي امام حسن (ع) در شهادت امير مؤمنان علي (ع)

امام علي عليه السلام در سال چهل هجري در سحرگاه نوزده هم ماه مبارك رمضان در محراب عبادت در حال اقامه نماز

صبح، توسط شمشیر زهر آلود ابن ملجم مرادي ضربت خورد و در شب بیست و سوم ماه رمضان به شهادت رسید و فرزندان و شیعیانش در غم او به سوگ نشستند.

امام حسن (ع) در سوگ پدر، در حالیکه جامه سیاه برتن داشت برای مردم خطبه خواند.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، سیاه پوشی امام حسن علیه السلام را به نقل از ابو الحسن علی بن محمد مدائنی تاریخ نگار مشهور قرن 2 و 3 هجری، (که در مدائن و بغداد می زیسته و عصر امام صادق تا امام هادی (علیهما السلام) را درک کرده) آورده است:

قال المدائنی ولما توفي علي عليه السلام- خرج عبد الله بن العباس بن عبد المطلب إلي الناس- فقال إن أمير المؤمنين عليه السلام توفي وقد ترك خلفا- فإن أحببتم خرج إليكم- وإن كرهتم فلا أحد علي أحد- فبكي الناس وقالوا بل يخرج إلينا- فخرج الحسن عليه السلام فخطبهم- فقال أيها الناس اتقوا الله فإننا أمراؤكم وأولياؤكم- وإنا أهل البيت الذين قال الله تعالى فينا- إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت- ويطهركم تطهيرا- فبايعه الناس- . وكان خرج إليهم وعليه ثياب سود.

زمانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) درگذشت، عبدالله بن عباس به سوی مردم بیرون آمد و گفت: امیرمؤمنان از جهان در گذشته و جانشینی از خود بر جای نهاده است. اگر دوست می دارید، به سوی شما بیرون آید و اگر نه، کسی را بر کسی [اجباری] نیست. مردم به گریه افتادند و گفتند (خیر) بلکه بیرون آید. پس امام حسن به سوی مردم بیرون آمد و برای آنان خطبه خواند و فرمود: ای مردم! از خدا بترسید و تقوا پیش گیرید که ما امیران و اولیای [امور] شما هستیم و ما همان خاندانی هستیم که خداوند در حق ما آیه تطهیر را نازل فرموده است... پس مردم با امام بیعت کردند.

امام به سوی مردم بیرون آمد: در حالی که جامه های سیاه پوشیده بود.

ابن ابی الحدید المدائنی المعتزلی، ابوحامد عز الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای 655 هـ)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد عبد الکریم النمری، ج 16، ص 22 ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1998 م.

احمد بن حنبل در فضائل الصحابة از ابی رزین روایت می کند که امام حسن مجتبی (ع) بعد از شهادت امیرمؤمنان، در حالی که عمامه ای سیاه بر سر داشتند، برای مردم سخنرانی کردند:

حدثنا عبد الله قال حدثني أبي نا وكيع عن شريك عن عاصم عن أبي رزین قال خطبنا الحسن بن علي بعد وفاة علي وعليه عمامة سوداء فقال لقد فارقكم رجل لم يسبقه الأولون بعلم ولا يدركه الآخرون.

ابی رزین می گوید: بعد از درگذشت علی، (پسرش) حسن در حالی که عمامه سیاه بر سر داشت برای ما خطبه خواند. و فرمود: مردی از میان شما رفت که از نظر مقام علمی کسی [جز رسول خدا] بر او پیشی نگرفت و بعد از او نیز همانند او نخواهد بود.

الشیبانی، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241 هـ)، فضائل الصحابة، ج 2، ص 600، تحقیق د. وصی الله محمد عباس، ناشر: مؤسسة الرسالة -

و ذهبي همين روایت (بدون اشاره به ماجرای شهادت امیرمومنان) را در دو جا از ابی رزین روایت می کند، و می گوید آن حضرت لباس سیاه بر تن، و عمامه سیاه بر سر داشتند!

شريك عن عاصم عن أبي رزین قال خطبنا الحسن بن علي وعليه ثياب سود وعمامة سوداء

از ابی رزین روایت شده است که حسن بن علی برای ما سخنرانی کرد، در حالیکه عمامه سیاه و لباس سیاه بر تن داشت.

سير أعلام النبلاء ج 3، ص 267 و ص 272، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: 748، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي

اتحاد راوي، و مضمون روایت، نشانگر یکی بودن در ماجرا و سیاه پوشی آن حضرت، در عزای امیرمومنان علی علیه السلام است!

۲. سیاه پوشی در شهادت امام حسن مجتبی (ع)

دو شخصیت برجسته اهل سنت، (ابن عساکر در تاریخ دمشق و حاکم در مستدرک) به سند متصل از عایشه دختر سعد روایت کرده است که زنان بنی هاشم در سوگ امام حسن مجتبی علیه السلام یک سال زینت را ترک کردند و لباس سیاه پوشیدند: حاکم نیشابوری می نویسد:

قال بن عمر وحدثنا عبدة بنت نائل عن عائشة بنت سعد قالت **حد نساء، الحسن بن علي سنة.**

زنان تا یک سال، برای حسن بن علی لباس سیاه پوشیدند.

الحاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله، (متوفای: 405 هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 189، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت الطبعة: الأولى 1411 هـ - 1990 م

شبیهِ همین مضمون را در تاریخ مدینه دمشق نقل می کند:

عن عائشة بنت سعد قالت: **حدت نساء بنی هاشم علی الحسن بن علی سنة.**

زنان بنی هاشم تا یک سال برای حسن بن علی لباس سیاه پوشیدند.

الشافعی، ابي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای: 571)، تاریخ مدینه دمشق، ج 13، ص 295، تحقیق: محب الدین ابي سعید عمر بن غرامة العماری، ناشر: دار الفکر، بیروت- 1995

ابن اثیر نیز در الأسد الغابة می نویسد:

ولما مات الحسن أقام نساء بنی هاشم علیه النواح شهراً، **ولیسوا الحداد سنة.**

وقتی حسن بن علی از دنیا رفت، زنان بنی هاشم تا یک ماه بر او عزاداری کرده و تا یک سال لباس سیاه پوشیدند.

الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الوفاة: 630 هـ، أسد الغابة في معرفة الصحابة ج 2، ص 22، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي- بيروت / لبنان الطبعة: الأولى- 1417 هـ - 1996 م

در این روایات واژه های «حدت» و «حد» و «الحداد» به کار رفته است که به معنای ترك زینت و جامه سیاه ماتم در بر کردن است که متن لغت شناسان در توضیح این واژه بیان شد.

۳. سیاه پوشی در شهادت امام حسین (ع)

موضوع سیاه پوشی خاندان عترت در عزای شهادت امام حسین علیه السلام، در تاریخ اسلام از برجستگی خاصی برخوردار است. که تاریخ نگاران و سیره نویسان موارد ذیل را ذکر کرده اند:

الف: سیاه پوشی زنان و امام سجاد (علیه السلام) در شام

پس از پایان خطبه تاریخی و افشاگرانه امام سجاد (علیه السلام) در مسجد دمشق منهل برخواست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! چگونه صبح کردی؟ امام زین العابدین سلام الله علیه فرمود:

كيف حال من اصبح وقد قتل ابوه وقلّ ناصره وينظر الي حرم من حوله اساري فقد فقدوا الستر والغطاء وقد اعدمو الكافل والحمي، فما تراني الا اسيراً ذليلاً قد عدمت الناصر والكفيل قد كسيت انا واهل بيتي ثياب الأسي وقد حرمت علينا جديد العري. چگونه است حال کسی که پدرش به قتل رسیده و یارانش اندک اند و اهل و عیالش اسیر و بی پوشش و حجاب و بی سرپرست و حامی هستند. پس مرا جز (به هیئت) اسیری خوار (و گرفتار در چنگ دشمن) که یار و سرپرست خویش را از دست داده نمی بینی. همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده ایم و (پوشیدن) لباس نو بر ما روا نیست ..

الحائري، جعفر عباس، (معاصر) بلاغة الإمام علي بن الحسين (ع)، ص 93 ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر، ایران: قم المقدسة، الطبعة الأولى 1383 - 1425 ش

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 4 19 باب 2 النصوص علي الخصوص علي إمامته و الوصية إليه و أنه دفع إليه الكتب و السلاح و غيرها و فيه بعض الدلائل و النكت ، ص 17

واژه «الاسي» در لغت به معنای حزن و اندوه بر چیزی است. بنا براین، تعبیر «ثياب الاسي» در روایت به معنای لباس حزن است. و همانطور که گذشت، حداد یا همان لباس سیاه، لباس مرسوم در زمان عزاداری بوده است. این روایت نشان می دهد که امام سجاد علیه السلام و بقیه اهل بیت در شام لباس سیاه پوشیدند.

خلیل ابن احمد یکی از واژه شناسان می نویسد:

أسي: الأسي، مقصور: الحزن علي الشيء ..

واژه ی «الأسی» اسم مقصور، از ماده «أسي» به معنای حزن بر چیزی است.

الفراهيدي، الخليل بن أحمد (متوفاي: 175هـ)، كتاب العين ج 7، ص 332، تحقيق: د مهدي المخزومي/ د إبراهيم السامرائي، ناشر: مكتبة الهلال.

طبق روایت دیگر، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله در شام، در مدت هفت روزی که برای سالار شهیدان عزاداری کردند؛ لباس سیاه پوشیدند:

فَلَمَّا أَصْبَحَ اسْتَدْعَى بِحَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقَالَ لَهُنَّ أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكُنَّ - الْمَقَامُ عِنْدِي أَوْ الرُّجُوعُ إِلَى الْمَدِينَةِ - وَلَكُمْ الْجَائِزَةُ السَّنِيَّةُ قَالُوا نُحِبُّ أَوْلًا - أَنْ نُنُوحَ عَلَى الْحُسَيْنِ قَالَ أَفْعَلُوا مَا بَدَأَ لَكُمْ - ثُمَّ أُخْلِيَتْ لَهُنَّ الْحُجْرُ وَالْبُيُوتُ فِي دِمَشْقَ - وَلَمْ تَبْقَ هَاشِمِيَّةٌ وَلَا قُرَشِيَّةٌ - إِلَّا وَلَبِسَتْ السَّوَادَ عَلَى الْحُسَيْنِ - وَنَدَّبُوهُ عَلَى مَا نُقِلَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ .

هنگامی که صبح شد یزید حرم و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را خواست و به ایشان گفت: دوست دارید نزد من بمانید یا بجانب مدینه مراجعت نمائید؟ من جایزه فراوانی بشما خواهم داد. آنان گفتند: ما اولاً دوست داریم برای امام حسین نوحه و عزاداری کنیم. یزید گفت: هر چه در نظر دارید انجام دهید. سپس حجره هائی در دمشق برای آنان تخلیه شد و مشغول عزاداری شدند هیچ زنی هاشمی و قریشی نماند مگر اینکه در ماتم امام حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند و بر او هفت روز عزاداری و گریه کردند.

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 45، ص 196 تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء- بيروت - لبنان، الطبعة الثانية المصححة، 1403-1983 م.

البحراني، الشيخ عبد الله متوفاي 1130، العوالم، الإمام الحسين (ع)، ص 422، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (ع)، ناشر: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم، الطبع الأولي المحققة 1407 - 1365 ش

النوري، الميرزا حسين (متوفاي 1320) مستدرک الوسائل، ج 3، ص 327، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية: 1408-1988

ب: سیاه پوشی زنان هاشمی در مدینه

بعد از این که اهل بیت امام حسین علیه السلام از کوفه و شام به مدینه رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشتند، تمام زنان بنی هاشم با پوشیدن لباس سیاه به عزاداری پرداختند.
روایت ذیل بیان گر این ماجرا است:

عن الحسن بن ظریف بن ناصح، عن أبيه، عن الحسين بن زيد، عن عمر بن علي بن الحسين، قال: **لما قتل الحسين بن علي عليهما السلام لبسن نساء بني هاشم السواد والمسوح** وكن لا يشتكين من حر ولا برد وكان علي بن الحسين عليهما السلام يعمل لهن الطعام للمأتم.

ابوحفص عمر، فرزند امام سجاد و برادر ناتنی امام باقر می گوید: زمانی که حسین بن علی (علیهما السلام) به شهادت رسید، زنان بنی هاشم لباسهای سیاه و جامه های خشن موپین پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی کردند و پدرم، علی بن الحسین (علیهما السلام) به علت (اشتغال آنان به) مراسم عزاداری، برایشان غذا آماده می کرد.

أحمد بن محمد بن خالد البرقي، (متوفاي 274) المحاسن، ج 2 ص 420، تحقيق: السيد جلال الدين الحسيني، ناشر: دار الكتب الإسلامية، طهران، الطبعة الأولى 1330 ش

این روایت از نظر سند نیز معتبر است (بحث سندی آن در بخش سوم مطرح شده است) و از نظر دلالت هم کاملاً معنایش روشن است .

۴ . سیاه پوشی ام سلمه در مصیبت امام حسین (ع) :

ام سلمه از زنان مورد احترام رسول خدا و شاهد نزول آیه تطهیر در شأن پنج تن آل عبا بود. این زن با وفا، علاقه خاصی به فرزندان رسول خدا (ص) و به خصوص امام حسین علیه السلام داشت و حضرت سید الشهداء او را مادر صدا می زد. ام سلمه در عصر عاشورا، رسول خدا صلی الله علیه وآله را در خواب دید در حالی که سر و ریش مبارکش پر از خاک بود. ام سلمه از این وضع رسول خدا پرسید در جواب فرمود: الآن حسین کشته شد:

وأخرج الترمذي أن أم سلمة رأت النبي صلي الله عليه وآله باكياً وبأسه ولحيته التراب فسأته فقال: (قتل الحسين أنفا)

الهيثمي، أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الوفاة: 973هـ، الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة، ج 2، ص 567 تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان 1417هـ - 1997م، الطبعة: الأولى

این بانو، بعد از شهادت امام حسین (ع) در مسجد پیامبر خیمه سیاه برپا کرد و خود جامه سیاه پوشید.

عن ابي نعيم باسناده عن ام سلمه رضوان الله عليها أنها لما بلغها مقتل الامام الحسين بن علي (عليهما السلام) اضربت قبة سوداء في مسجد رسول الله (صلي الله عليه وآله) ولبست السواد.

به روایت ابو نعیم اصفهانی، بعد از این که ام سلمه خبر شهادت امام حسین (ع) را شنید؛ در مسجد پیامبر خیمه سیاه برپا کرد و خود جامه سیاه پوشید.

ادريس قرشي، عمادالدين، عيون الاخبار و فنون الآثار، ص 109، (طبع بيروت)

این موارد، نمونه هایی از سیاه پوشی اهل بیت در عزاداری امام حسین علیه السلام بود.

بعد از آن در طول تاریخ نیز موارد زیادی از سیاه پوشی، در شهادت ها و وفیات نقل شده است و اگر صفحات تاریخ را مرور کنیم موارد زیادی از سیاه پوشی در زمان حیات ائمه و در دوره غیبت دیده می شود و این سیره تا به امروز در میان شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام ادامه داشته و تا همیشه تاریخ ادامه خواهد داشت.

بنا براین، سیاه پوشی شیعیان در طول تاریخ برگرفته از سیره اهل بیت و اقتداء به سیره آن پاکان است.

پاسخ سوم : تناسب پوشش سیاه با عزاداری

رنگ سیاه گذشته از اینکه دارای خواص و آثاری همانند خاصیت حجاب کامل و هیبت و صلابت است، متناسب ایام عزاداری در ابراز غم و اندوه است؛ زیرا شخص عزادار در مصیبت از دست دادن عزیزش داغدار و اندوهناک است و هیچ خوشی و شادمانی نمی تواند جای آن را بگیرد.

به همین جهت می بینیم که در نقاط مختلف عالم، مصیبت دیدگان از همین رنگ استفاده می کنند و حتی دوستان نزدیک نیز برای ابراز همدردی با صاحب مصیبت سیاه می پوشند و هرچه زمان می گذرد این رسم منطقی پر رونق تر می گردد و علت اصلی اش این است که رنگ سیاه ذاتاً حزن آور است.

در سفارش امام صادق علیه السلام به حنان بن سدر، یکی از خصایص رنگ سیاه (حزن آوری یا وارث حزن) شمرده شده است:

عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي رِجْلِي نَعْلٌ سَوْدَاءُ فَقَالَ يَا حَنَّانُ مَا لَكَ وَالسَّوْدَاءُ مَا عَلِمْتُ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَضَعُفُ الْبَصَرَ وَتُرْخِي الذِّكْرَ وَتُورِثُ الْهَمَّ وَمَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النَّعَالِ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَجْلُو الْبَصَرَ وَتَشُدُّ الذِّكْرَ وَتَدْرَأُ الْهَمَّ وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ.

حنان بن سدر، می گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم در حالی که نعلین سیاه در پایم بود فرمود: ای حنان ترا چه شده که نعلین سیاه پوشیده ای، آیا نمی دانی که رنگ سیاه مایه ضعف بینایی و تقلیل شهوت و مورث غم و اندوه است؟ و علاوه بر این، از لباس جباران است. از امام پرسیدم چه نوع نعلینی به پا کنم؟ پاسخ داد: بر تو باد به پوشیدن نعلین زرد که در آن سه خاصیت است: چشم را جلا می بخشد، قوه شهوت را تقویت می کند، و غم و اندوه را زایل می سازد

الکلبی الرازی، ابي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج 6، ص 466 ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ. ش.

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: زمین و خورشید چهل صبح در ماتم سیدالشهداء علیه السلام به (سیاهی و تیرگی) گریه کرد:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا زُرَّارَةَ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالدَّمِ وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالسَّوَادِ وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْكُفُوفِ وَالْحُمْرَةَ وَإِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَأَنْتَرَتْ وَإِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَمَا اخْتَضَبَتْ مِنْ أَمْرَأَةٍ وَلَا آدَهَنْتْ وَلَا اِكْتَحَلَتْ وَلَا رَجَلَتْ حَتَّى أَتَانَا رَأْسُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ.

امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: همانا آسمان در سوگ حسین (علیه السلام) چهل صبح خون و زمین چهل صبح به سیاهی و خورشید چهل صبح به کسوف [تیرگی و گرفتگی] و سرخی گریه کرد و کوه ها از هم جدا و پراکنده شد و دریاها شکافته شد و فرشتگان چهل صبح بر امام حسین علیه السلام گریه کرد و هیچ زنی از ما (اهل بیت) بر چهره خویش خضاب نبست و روغن نمالید و سرمه نکشید و شانه بر موی نزد تا آنکه سر ابن زیاد ملعون برای ما آورده شد.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111 هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج: 45، ص 207 تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

در روایت سوم امام صادق علیه السلام به زنانی که شوهر از دست داده اند دستور می دهد که لباس سیاه بپوشند و از پوشیدن

لباس هاي رنگي خودداري کنند:

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ وَلَا تَلْبَسُ الْحَادُّ ثِيَابًا مُصَبَّغَةً وَلَا تَكْتَجِلُ وَلَا تَطَيَّبُ وَلَا تَتَزَيَّنُ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا وَلَا بَأْسَ أَنْ تَلْبَسَ ثَوْبًا مَصْبُوغًا بِسَوَادٍ.

امام صادق عليه السلام فرمود: زن شوهر مرده جامه رنگي نپوشد و تا سپري شدن ايام عده از پوشيدن لباسهاي رنگين، سرمه زدن، بوي خوش به كار بردن و زينت كردن بپرهيزد؛ اما پوشيدن لباس به رنگ سياه اشكال ندارد.

النوري، الميرزا حسين (متوفاي 1320) مستدرک الوسائل، ج 15، ص 361 تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية: 1408 - 1988

واژه (حاد) در اين روايت به معنای زن شوهر مرده است که در مدت عده وفات آرايش و استعمال بوي خوش را ترك مي کند:

الحَادُّ وَالْمُجِدُّ مِنَ النِّسَاءِ: الَّتِي تَتْرِكُ الزَّيْنَةَ وَالطَّيْبَ؛ وَقَالَ ابْنُ دُرَيْدٍ: هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَتْرِكُ الزَّيْنَةَ وَالطَّيْبَ بَعْدَ زَوْجِهَا لِلْعَدَّةِ.

الأفريقي المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفاي 711هـ)، لسان العرب، ج 3، ص 43 ماده (حد) ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

اين دو روايت نشان مي دهد که رنگ سياه، متناسب با عزا و اندوه است.

همچنين روايات ديگر نشان مي دهد که نپوشيدن رنگ سياه و پوشيدن رنگ هاي ديگر متناسب با ايام شادي و جشن و

سرور است. از جمله رواياتي که در روز آغاز ولايت امام زمان و روز غدير را (روز کندن جامه سياه) معرفي کرده اند:

حذيفه مي گويد: اميرالمؤمنين فرمود: براي روز تاج گذاري امام زمان، هفتاد دو اسم است. عرض کردم يا امير المؤمنين

دوست دارم اسمي اين روزها را بشنوم حضرت شروع کرد به شرح اسم هاي اين روز و فرمود:

هَذَا يَوْمُ الْإِسْتِرَاحَةِ، وَيَوْمُ تَنْفِيسِ الْكُرْبَةِ، وَيَوْمُ الْغَدِيرِ الثَّانِي ...

تا به اينجا رسيد و فرمود: روز کندن جامه سياه است:

وَيَوْمُ نَزْعِ السَّوَادِ، ...

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 3، ص 127، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر:

مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

روايت دوم مربوط به روز غدير است که از آن به (يوم نزع السواد) تعبير کرده است:

رواه عن الرضا عليه السلام قال إذا كان يوم القيامة زفت أربعة أيام إلي الله كما تزف العروس إلي خدرها قيل ما هذه الأيام قال

يوم الأضحى ويوم الفطر ويوم الجمعة ويوم الغدير وإن يوم الغدير بين الأضحى و الفطر والجمعة كالقمر بين الكواكب وهو

اليوم الذي نجا فيه إبراهيم الخليل من النار فصامه شكرًا لله وهو اليوم الذي أكمل الله به الدين في إقامة النبي عليه السلام عليا

أمير المؤمنين علما وأبان فضيلته ووصاءته فصام ذلك اليوم ...

ويوم لبس الثياب ونزع السواد ويوم الشرط المشروط ويوم نفي الغموم [الهموم] ويوم الصفح عن مذنب شيعة أمير المؤمنين

وهو يوم السبقة ويوم إكثار الصلاة علي محمد وآل محمد ويوم الرضا ويوم عيد أهل بيت محمد .

حضرت رضا عليه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت برپا شود، چهار روز را زینت میدهند همان طور که عروس را آرایش، میکنند، گفته شد: این چهار روز کدام ایام هستند؟

فرمود: روز عید قربان، روز فطر، روز جمعه، و روز غدیر، اما روز غدیر در بین اضحی و فطر و روز جمعه مانند ماه در بین ستارگان است، و آن روزیست که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات پیدا کرد و برای شکرگزاری آن روز را روزه گرفت.

روز عید غدیر همان روزیست که خداوند دین را کامل گردانید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بعنوان خلافت و حکومت برای مردم برگزید، و فضیلت و وصایت او را آشکار کرد، و آن روز را روزه می گرفت.....

غدیر روزی است که در آن باید جامه نیکو پوشید و لباسهای سیاه را از بدن دور کرد، و آن روزی است که غمها در آن زدوده می شود، و گناهان شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام آمرزیده می شود.

غدیر روزی است که در آن نسبت به کارهای خیر باید سبقت گرفت، و روزی است که در آن باید به محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستاد.

غدیر روزی است که خداوند در آن روز دین اسلام را کامل کرد و آن را پسندید، و روز عید آل محمد علیهم السلام میباشد

السید ابن طاووس، (متوفای 664) إقبال الأعمال، ص 464، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، ناشر: مکتب الإعلام الإسلامی 1414هـ

طبق این روایات میان رنگ سیاه و عزاداری رابطه طبیعی وجود دارد خصوصاً با توجه به این که روز نهم ربیع الاول مسبوق به ایام طولانی عزاداری محرم و صفر است. اگر میان رنگ ها و این ایام تناسبی نبود، امام علیه السلام هم چنان تعبیراتی را ذکر نمی فرمود.

با حفظ این تناسب منطقی و عاطفی، از دیدگاه علم روان شناسی نیز، رنگ سیاه کاهش دهنده آلام در مصائب است و انسان مصیبت دیده را در اضطراب ناشی از فقدان شخص محبوب، به سمت آرامش دعوت می کند.

حجتی، محمد امین، معاصر، اثرات تربیتی رنگ از نظر اسلام و روان شناسی، ص 9 و ص 58-59

بخش دوم: فتاوی فقهای شیعه

در بخش قبلی علل سیاه پوشی شیعیان در ایام عزاداری بررسی شد به نظر می رسد این مسأله را از دیدگاه فقهی نیز باید مورد دقت قرار داد و نظر بزرگان را در این باره جستجو کرد. برای این منظور دیدگاه فقهاء را در دو مورد و در ضمن دو فصل بررسی می کنیم:

فصل اول: فتاوی فقهاء شیعه بر استحباب سیاه پوشی در عزاداری

فقهاء شیعه (اعلی الله مقامهم) با استناد به روایات، پوشیدن لباس سیاه را در ایام عزاداری سیدالشهداء علیه السلام جایز و

مستحب میدانند. این مطلب را گاه در فتوا و گاهی در وصیت نامه هایشان بیان کرده و اغلب در عمل نیز از خود نشان داده اند. قبل از ارائه دیدگاه فقهاء باید یاد آور شد که نظر آنان بر استحباب، پس از بررسی و دقت روایات ناهی از پوشش سیاه و حمل آنها بر کراهت است به همین جهت در نقل اقوال فقهاء، تعبیراتی همانند (من هذه الاخبار) آمده است که اشاره به روایات بخش سوم دارد.

با حفظ این نکته اکنون به کلام و تصریحات این بزرگان اشاره می کنیم:

1. مرحوم صاحب حدائق (ه)

این فقیه نام آور، پس از آن که نظر خود را در مورد کراهت این رنگ در نماز ابراز می کند می گوید:

ثم أقول: لا یبعد استثناء لبس السواد فی مأتم الحسین (علیه السلام) من هذه الأخبار لما استفاضت به الأخبار من الأمر باظهار شعائر الأحران.

بعید نیست پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام را به خاطر روایات مستفیضه در مورد امر به اظهار شعائر حزن، از این اخبار استثناء کنیم و قائل به عدم کراهت شویم.

البحرانی، الشیخ یوسف بن أحمد ابن إبراهیم، متوفای (118 هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج 7 ص 116، تحقیق: محمد تقی الإیروانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی لجماعة المدرسین، قم.

در پایان، کلامش را به روایات مستند می سازد.

در کتب فقهی، هر يك از فقهاء به کلام مرحوم بحرانی اشاره دارند.

از محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی در مورد نظر مرحوم بحرانی بر رجحان لباس سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام پرسیده شده است و ایشان هم با تأیید نظر مرحوم بحرانی، پوشیدن لباس سیاه را از مظاهر حزن در مصیبت سید الشهداء و اهل بیت و اصحاب و ائمه هدی علیهم السلام، دانسته و اظهار اندوه را در مصائب آنان با توجه به روایات از نظر شرعی مستحب می داند:

سؤال:

هل ترون ما ذهب إليه صاحب الحدائق من أن لبس السواد في عزاء سيد الشهداء وبقية الأئمة عليهم السلام، راجح شرعاً؟

جواب: ما ذهب إليه صاحب الحدائق قدس سره صحیح، فإن لبس السواد من مظاهر الحزن علي ما أصاب سيد الشهداء وأهل بيته وأصحابه، وكذا سائر الأئمة عليهم السلام، وإظهار الحزن في مصائبهم مندوب شرعاً، للنصوص الكثيرة وفيها الصحيح، والله العالم.

سؤال: به عقیده شما پوشش سیاه در عزاداری امام حسین و سائر ائمه علیهم السلام رجحان شرعی دارد؟ چنانچه صاحب

حدایق نظرش همین است.

جواب: نظر صاحب حدائق صحیح است؛ زیرا پوشش سیاه از مظاهر حزن در مصیبت سیدالشهداء و اهل بیت و یاران او و سائر ائمه هدی است و اظهار حزن در مصیبت آنان به خاطر روایات فراوان که در میان آنها روایت صحیح وجود دارد؛ مستحب شرعی است.

العالمی، (معاصر) الانتصار ج 9، ص 247 ناشر: دار السیرة، بیروت، لبنان الطبعة الأولى 1422

2. علامه سید محمد جعفر طباطبائی حائری (ره)

ایشان بعد از این که نظرش را بر استحباب سیاه پوشی در مراسم عزاداری سالار شهیدان ابراز می کند؛ در چگونگی دلالت روایات بر استحباب دو دلیل می آورد:

1. سکوت و تأیید امام علی بن الحسین علیهما السلام

به این بیان که زنان هاشمی در محضر امام سجاد در سوگ سیدالشهدا به ماتم و عزاداری پرداختند و لباس سیاه در بر کردند و امام هم با سکوتش کار آنان را تأیید کردند و اگر این کار مرجوح بود و یا جایز نمی بود حتماً آن حضرت مانع می شد و در صورت منع، بر آنان نیز اطاعت امام زمانش واجب بود؛ پس سکوت و تأیید امام دلیل بر جواز و استحباب این کار است؛ به ویژه این که در میان زنان بنی هاشم، حضرت زینب سلام الله علیها که بالاترین مقام را بعد از معصوم دارد؛ نیز لباس سیاه پوشیده است.

ب. استحباب عزاداری

از آنجائی که اقامه عزاداری امام حسین از شعائر دینی و از باب استحباب پاداش هایی بر آن مترتب است؛ پوشیدن لباس سیاه که نشانه حزن و شعار عزاداری است جنبه استجابی به خود می گیرد؛ چنانچه پوشیدن لباس سیاه، از گذشته دور تا به امروز در همه نقاط عالم شعار حزن بر فقدان عزیزی است:

وجه الدلالة علي الاستحباب هو لبسهن ذلك بمحضره عليه السلام وعدم منعهن عن لبسه وأمرهن بغيره من مراسم العزاء وخصوصاً بعد وجود مثل الصديقة الصغرى زينب الكبرى عليها السلام الذي لا يقصر فعلها عن فعل المعصوم لكونها تالية له في المقامات العالية والدرجات السامية.

كما يدل له انه شعار الحزن والعزاء علي المفقود العزيز الجليل من قديم الزمان وسالف العصر والاولان: وكما هو المرسوم اليوم في جميع نقاط العالم.

الطباطبائي الحائري، السيد ميرزا جعفر حفيد صاحب الرياض قدهما (المتوفي سنة 1321هـ) ارشاد العباد إلي استحباب لبس السواد علي سيد الشهداء والأئمة الأمجاد عليهم السلام، ص 28، ص. مصحح: السيد محمد رضا الحسيني الأعرجي الفحام.

او در جای دیگر عقیده و رفتار پدرش (حاج میرزا علامه سید علی نقی طباطبائی که از اعظم مجتهدی کربلا بوده) را این گونه بیان می کند:

در اواخر عمر پدرم علامه، پوشیدن لباس سیاه و ندبه ای او در ایام عزاداری مولای ما امام حسین علیه السلام در فتوا و عمل تا هنگامی که به رحمت حق پیوست دیده می شد:

وكان والدي العلامة أعلي الله مقامه في أواخر أمره وعمره يري حسن التلبس بهذا اللباس في أيام ماتم مولانا الحسين (ع) المعودة وندبته فتوي وعملا إلي أن انتقل إلي رحمة الله.

الطباطبائي الحائري، السيد ميرزا جعفر حفيد صاحب الرياض قدهما، (المتوفي سنة 1321هـ) ارشاد العباد إلي استحباب لبس السواد علي سيد الشهداء والأئمة الأمجاد عليهم السلام، ص 54، مصحح: السيد محمد رضا الحسيني الأعرجي الفحام.

3. علامه شيخ محمد حسين كاظميني (ره) معروف به محقق كاظمي

ایشان می نویسد:

وفي استثناء لبسه في ماتم الحسين (عليه السلام) ونحوه وجهٌ غير بعيد كما في حدائق لما دلّ علي اظهار شعائر الحزن عليه (عليه السلام) ولما روي من لبس نساء بني هاشم السواد ولم يغيّرنها في حرّ او برد وكان زين العابدين (عليه السلام) يصنع لهن الطعام في المأتم ولم ينكره (عليه السلام) عليهن.

و در استثناء پوشش سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام و مانند آن (از کراهت) بعيد نیست. چنان که در کتاب حدائق نیز استثناء شده است. دلیل استثناء آن [روایاتی] است که بر اظهار شعائر حزن بر امام حسین دلالت می کند و دلیل دیگر، روایتی است که زنان بنی هاشم در ماتم آن حضرت سیاه پوشیدند که حتی در گرما و سرما هم از تن شان بیرون نکردند و امام زين العابدين عليه السلام در مدتي که زنان مشغول عزاداري بودند؛ غذا آماده مي کردند و ایشان زنان را از اين کار باز نداشتند.

كاظميني، محمد حسين، متوفي 1308هـ، هداية الأنام في شرح شرايع الإسلام، ص 454، طبع نجف 1330هـ

4. ميرزا حسين نوري صاحب مستدرك الوسائل (ره)

محدث فقيه مرحوم ميرزاي نوري در مستدرك الوسائل بعد از نقل اخبار دال بر کراهت جامه سیاه و روایت محاسن برقي نظر خود را بر استحباب این گونه بیان می کند:

قلت: وفي هذه الأخبار، والقصاص، إشارة أو دلالة علي عدم كراهة لبس السواد. أو رجحانه حزننا علي أبي عبد الله (عليه السلام)، كما عليه سيرة كثير في أيام حزنه ومأتمه.

در این اخبار و قصه ها، اشاره یا دلالت بر عدم کراهت پوشش سیاه یا رجحان آن در حزن حضرت اباعبدالله الحسين علیه السلام است هم چنان که سیره بسیاری در ایام حزن و ماتم آن حضرت بر این است.

5. آيت الله العظمي سيستاني (مد ظله)

در کتاب استفتائات آيت الله العظمي سيستاني اين چنين آمده است:

السؤال:

ما هو رأيكم في لبس السواد في عزاء خامس أصحاب الكساء؟ الجواب: لبس السواد في عزاء سيد الشهداء [روحي فداه] أمر

مطلوب.

نظر شما در مورد پوشیدن لباس مشكي در عزاداري امام حسين (خامس اصحاب كساء) چيست؟

جواب: پوشیدن لباس سياه در عزاداري سيدالشهداء امر پسندیده است.

استفتاءات (فتاوي مراجع) السيد السيستاني، ص 192

6. آيت الله العظمي ميرزا جواد تبريزي (ره)

سؤال:

يرجي من سماحتكم بيان رأيكم في هذه المسألة التي أخذت منحي خطيرا في الكويت بعد مسألة مظلومية الزهراء عليه السلام والتي لا تخفي عليكم، والمسألة هي: ما هو رأيكم المبارك في لبس السواد، واللطم علي الصدر أثناء إحياء مراسيم العزاء لسيد الشهداء عليه السلام في شهر محرم الحرام، ولباقي الأئمة الأطهار عليهم السلام؟

سؤال: از محضر شما استدعایم نظر تان را در باره مسأله اي كه بعد از مسأله مظلوميت حضرت زهرا سلام الله عليها جایگاه مهمي را در كويت گرفته است: بيان فرماید.

و آن مسأله، پوشیدن لباس سياه و سينه زدن در اثناء مراسم عزاداري سيدالشهداء عليه السلام در ماه محرم و بقيه ايام عزاداري امامان عليهم السلام است.

جواب:

لا إشكال ولا ريب ولا خلاف بين الشيعة الإمامية في أن اللطم ولبس السواد من شعائر أهل البيت عليهم السلام. ومن

المصاديق الجلية للآية: ذلك ومن يعظم شعائر الله فإنها من تقوي القلوب.

كما أنها من مظاهر الجزع الذي دلت النصوص الكثيرة علي رجحانه في مصائب اهل البيت ومآتهم. ومن يحاول تضييف هذه الشعائر أو التقليل من أهميتها بين شباب الشيعة، فهو من الأثمين في حق أهل البيت عليهم السلام، ومن المسؤولين يوم القيامة عما اقترفه في تضليل الناس عن مظالم الأئمة عليهم السلام. ثبت الله المؤمنين علي الإيمان والولاية. والله الهادي إلي

جواب :

بدون شك در میان شیعه هیچ گونه اختلافی نیست در این که سینه زنی و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت علیهم السلام و از مصادیق بارز این آیه کریمه است که می فرماید: و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دلهاست . چنانچه این کارها از مظاهر جزع در مصائب و سوگواری اهل بیت علیهم السلام است که روایات فراوان بر رجحان آن دلالت می کند. هر کس در تضعیف یا کم رنگ نمودن اهمیت آن در میان جوانان شیعه تلاش نماید از جفا کاران در حق اهل بیت است و از جمله کسانی است که در قیامت مورد سؤال قرار می گیرد از آنچه که مردم را در باره ظلم کنندگان به اهل بیت به اشتباه انداخته است. خداوند مؤمنان را بر ایمان و ولایت اهل بیت ثابت قدم نگهدارد. و خداوند هدایت کنند به راه راست است.

الشیخ الکوآانی العاملی، (معاصر) الانتصار، ج 9، ص 247 ناشر: دار السیره، بیروت، لبنان الطبعة الأولى 1422

7. وصیت نامه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

ایشان در وصیت نامه خود این چنین می نویسد:

سفارش می کنم او [پسرم] را به اینکه لباس سیاهی که در ماه محرم و صفر می پوشیدم جهت حزن و اندوه در مصیبت‌های آل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با من دفن شود.

رفیعی، علی، «علاء مرودشتی» شهاب شریعت؛ درنگی در زندگی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ص 366، (طبع کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی، قم 1373 ش)

علاوه بر آقایان اعلام، فقهای دیگر همانند: مرحوم فاضل دربندی در کتاب اسرار الشهاده، ص 60 چاپ تهران، سال 126، سید اسماعیل عقلی نوری در وسیلة المعاد فی شرح نجاة العباد ج 2، ص 170، شیخ زین العابدین مازندرانی (متوفای 1309) در ذخیره المعاد، ص 620 چاپ بمبئی سال 1298، علامه سید حسن صدر در کتاب تبیین الرشاد فی لبس السواد علی الأئمة الأمجاد و شیخ أبو الفضل تهرانی در شفاء الصدر، ص 324 من سبع بمبئی سنة 1309 همگی بر استحباب فتوا داده اند.

و از نگاه عمل نیز علمای بزرگ معاصر در ایام شهادت سالار شهیدان و ایام شهادت ائمه اطهار علیهم السلام لباس سیاه میپوشند.

نتیجه:

با در نظر داشت سخنان بزرگان فقهاء، مشروعیت و استحباب امور ذیل در ایام محرم و عاشورای حسینی اثبات می شود:

۱. استحباب سیاه پوشی

۲. استحباب اقامه مجالس عزاداری

۳. استحباب اطعام عزاداران

۴. استحباب خدمت گذاری در مجالس عزاداری

فصل دوم : فتاوی فقهاء در کراهت سیاه پوشی در نماز

یکی از شبهات وهابیت در بحث سیاه پوشی این است که بعضی روایات در منابع شیعه آمده که از پوشش رنگ سیاه منع کرده است. مرحوم شیخ صدوق (ره) در باب 56 علل الشرائع این روایات را ذکر کرده است. آنها مدعی اند که با توجه به این روایات استفاده از این رنگ از دیدگاه شیعه حرام است.

در پاسخ به این ادعا لازم است فتاوی فقهاء را مورد بررسی قرار دهیم.

در مکتب شیعه، حکم به حرمت، وجوب، کراهت و استحباب وابسته به دیدگاه و استنباط فقیهان و مجتهدانی است که متخصص در استنباط احکام فقهی اند؛ لذا اگر فقیهی با توجه به ادله، در مسأله ی حکم وجوب و... را استنباط نماید برای مقلدان او حجت خواهد بود.

با در نظر داشت این مطلب، در مورد روایات مورد بحث، فقهاء از گذشته تا کنون حکم کراهت را استفاده کرده (نه حرمت) و آنهم فقط در مورد نماز پوشیدن لباس سیاه (غیر از عمامه، کفش و عبا) را مکروه می دانند؛ در حالی که مستشکل، تعبیر «حرمت» را به کار برده است.

قبل از نقل نظر فقهاء لازم است روایاتی را که مستند نظر آنها قرار گرفته؛ دسته بندی نمود تا مطلب بیشتر روشن شود:

دسته بندی روایات

در مسأله کراهت پوشش سیاه در نماز، روایات به دو دسته تقسیم می شود:

دسته اول : روایات دال بر کراهت پوشش سیاه در نماز .

۱. وَ رُوِيَ لَا تُصَلِّ فِي ثَوْبٍ أَسْوَدَ فَأَمَّا الْخُفُّ أَوْ الْكِسَاءُ أَوْ الْعِمَامَةُ فَلَا بَأْسَ

در لباس سیاه نماز نخوانید. ولی چکمه و عبا و عمامه اشکالی ندارد.

الکلبینی الرازی، ابي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ)، الكافي، ج: ۳ ص ۴۰۳ ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ. ش.

۲. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَصَلِّي فِي

الْقَلَنْسُوَةِ السُّودَاءِ فَقَالَ لَا تُصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

راوي مي گوید: از امام صادق پرسیدم آیا در کلاه (عرقچین) سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: در آن نماز نخوان؛ زیرا لباس اهل آتش است.

الکلبینی الرازی، ابي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ)، الكافي، ج: ۳ ص ۴۰۳ ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ. ش.

ه.ش.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460هـ)، تهذيب الأحكام، ج 2، ص 213، تحقيق: السيد حسن الموسوي
الخرسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش.

این روایت با سند دیگر اینگونه نقل شده است:

3. أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَصَلِّي فِي قَلَنْسُوءِ السُّودَاءِ قَالَ لَا تُصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

این دسته از روایات از نظر سند مرفوع و مرسل است به این جهت قابل استناد نیست.

دسته دوم: روایات دال بر کراهت پوشش سیاه مطلقا.

1. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِيمَا عَلَّمَ أَصْحَابَهُ لَا تَلْبَسُوا السُّوَادَ
فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ.

به روایت امام صادق علیه السلام، از جمله چیزهای که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به اصحابش تعلیم نمود این است
که فرمود: لباس سیاه نپوشید زیرا آن لباس فرعون می باشد.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

این روایت در نقل دیگر بدون سند آمده است:

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا عَلَّمَ أَصْحَابَهُ لَا تَلْبَسُوا السُّوَادَ فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ.

الشيخ الصدوق، أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (المتوفى سنة 381)، من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 251، تصحيح و تعليق:
علي أكبر الغفاري، الناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية - قم، الطبعة الثانية

2. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَكْرَهُ السُّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ
الْخُفِّ وَالْجِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: لباس سیاه مکروه است مگر در سه مورد: عمامه و چکمه و عبا.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460هـ)، تهذيب الأحكام، ج 2، ص 213، تحقيق: السيد حسن الموسوي
الخرسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش.

3. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَكْرَهُ السُّوَادَ إِلَّا
فِي ثَلَاثٍ الْخُفِّ وَالْجِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج 6، ص 449، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة

در این دسته ، روایت نخست صحیحه است و از نظر سند اشکالی ندارد اما روایات دوم وسوم مرفوعه هستند.

روایت دیگر معتبره سکونی است که در ظاهر مطلق است :

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلٌ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.

محمد بن الحسن از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از حسین بن یزید نوفلی، از سکونی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به مؤمنین بگو: لباس دشمنان من را نپوشید و طعام دشمنانم را تناول نکنید و راه دشمنان مرا طی نکنید پس شما نیز دشمن من خواهید شد همان طوری که آنها دشمن من هستند.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری، قم، الطبعة: الأولى.

اما فقیه معاصر مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی می نویسد این روایت معنای دیگری دارد:

ونحن نلتزم بمضمون هذه الروایات فنقول: إن اللباس إذا اختص به أعداء الدين فلا يجوز لبسه، مثل القبعة التي يختص بلبسها اليهود. ولكن لباس السواد لم يثبت اختصاص لبسه بأعداء الدين، نعم يمكن ثبوت الإختصاص بخصوص (اللبادة السوداء) فإن لبسها من مختصات علماء اليهود والنصارى، وإذا ثبت ذلك فيها فلبسها حرام.

این روایت می گوید: لباسی که مخصوص اعداء الله است پوشیدنش جایز نیست مانند کلاه فرنگی که فقط یهودیان از آن استفاده می کنند. اما ثابت نشده است که لباس سیاه اختصاص به اعداءه پیدا کرده باشد. پس اگر لباسی از مختصات اعداء الله باشد مانند لباده سیاه، پوشیدن آن حرام است.

العالمی، (معاصر) الانتصار ج ٩، ص ٢٥٣، ناشر: دار السیرة، بیروت، لبنان الطبعة الأولى 1422

با این حساب این روایت را نمی شود در زمره روایات دسته دوم ذکر کرد و از آن کراهت پوشش سیاه را استفاده کرد. در این دسته همان روایت نخست می ماند.

نتیجه گیری فقهی از روایت : کراهت لباس سیاه در نماز

در يك بررسی کلی، مجموعه عظیمی از فقهاء در کتاب های فقهی شان بابی را تحت عنوان (مکروهات الصلاة) باز کرده اند که با استناد به روایات فوق، و با ذکر دلایلی، یکی از مکروهات را در نماز پوشیدن لباس سیاه می دانند.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب الخلاف مسأله 247 بدون اشاره به روایات، دلیل کراهت را اجماع فرقه و احتیاط ذکر کرده است:

تكره الصلاة في الثياب السود. وخالف جميع الفقهاء في ذلك. دليلنا: إجماع الفرقة وطريقة الاحتياط.

نماز در لباس سیاه مکروه است ودر این مسأله تمام علمای عامه مخالفت کرده اند. دلیل ما بر کراهت، اجماع و راه احتیاط است.

الطوسي، أبي جعفر محمد بن الحسن متوفاي (460 هـ) الخلاف، ج 1 / 506، التحقيق: جماعة من المحققين، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة

لجماعة المدرسين، قم 1407 هـ

۲. محقق حلي:

وتكره الصلاة في الثياب السود خلا العمامة، والخف قاله الأصحاب: روي عن النبي صلي الله عليه وآله أنه قال: (البسوا من

ثيابكم البياض فإنها من خير ثيابكم) وأمره عليه السلام بهذا اللون يدل علي اختصاصه بالمصلحة الراجحة فيكون ما يضاذه

غير مشارك في المصلحة، وأشد الألوان مضادة للبياض السواد.

ويؤيد ذلك من طريق الأصحاب، ما رواه أحمد بن محمد بن رفاعه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ الْعِمَامَةِ وَالْخُفِّ وَالْكِسَاءِ.

نماز در لباس سیاه به جز عمامه و چکمه سیاه مکروه است. این قول را اصحاب امامیه گفته اند. از رسول خدا صلی الله علیه

وآله روایت شده که فرمود: لباس سفید تان را بپوشید؛ زیرا این لباس، از بهترین لباس شماس است. دستور رسول خدا بر

پوشیدن رنگ سفید، دلالت دارد که يك مصلحت راجحي در آن است پس ضد این رنگ (مانند رنگ سیاه) در این مصلحت با

رنگ سفید مشترك نیست و شدید ترین رنگ از نظر ضدیت با سفید، رنگ سفید است.

این قول به کراهت را روایتی که احمد بن محمد از امام صادق علیه السلام نقل کرده تأیید می کند که آن حضرت فرمود: رسول

خدا صلی الله علیه وآله پوشش سیاه را دوست نداشت مگر در سه چیز: عمامه، چکمه و عبا.

المحقق الحلي، أبو القاسم نجم الدين جعفر بن الحسن (متوفاي: 676)، المعبر، ج 2، ص 94، تحقيق وتصحيح: عدة من الأفاضل / إشراف: ناصر

مكارم شيرازي، ناشر: مؤسسة سيد الشهداء (ع)- قم

۳. شهيد اول:

الثالثة: **تكره الصلاة في الثياب السود**، لما رواه الكليني عن رفاعه إلي أبي عبد الله عليه السلام: «يكره السواد الا في ثلاثة:

الخف، والعمامة، والكساء». وفي مرفوع آخر إليه عليه السلام في القلنسوة السوداء: لا تصل فيها، فإنها لباس أهل النار.

وروي عن النبي صلي الله عليه وآله: «البسوا من ثيابكم البياض، فإنها من خير ثيابكم» وفيه دلالة علي أفضلية البياض للمصلحة،

فالمضاد لا يشاركها في المصلحة.

مسأله سوم در این است که نماز در لباس سیاه مکروه است. به دلیل آنچه مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام روایت

کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله پوشش سیاه را دوست نداشت مگر در سه چیز: عمامه، چکمه و عبا. و در

روایت دیگر امام صادق در پاسخ از پوشیدن کلاه سیاه در نماز فرمود: در آن نماز نخوانید؛ زیرا او از لباس اهل آتش است.
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود: لباس سفید تان را بپوشید زیرا بهتری لباس شما از نظر رنگ است.
این روایت بر افضلیت رنگ سفید به خاطر وجود مصلحتی که در آن است؛ دلالت می کند و رنگی که ضد آن است در این مصلحت با آن شریک نیست.

العالمی الجزینی ، محمد بن جمال الدین مکی ، معروف به شهید اول ، (متوفای : ۷۳۴ - ۷۸۶ ه ق) ذکر الشیعة فی احکام الشریعة ، ج ۳ ، ص ۵۵ ، تحقیق : مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۹ ه

۴. سید علی طباطبائی

روشن ترین عبارت در مورد روایات مورد بحث ، از سید علی طباطبائی است :

(وتكره) الصلاة (في الثياب السود ما عدا العمامة والخف) والكساء ، **اطلاق المستفیضة بکراهة لبسها ، عدا المستثنیات الثلاثة ،** مع تصریح جمله من النصوص بکراهة الصلاة في خصوص القلنسوة ، معللة بأنها لباس أهل النار ، والتعليل عام لا يخص المورد كما يستفاد من النصوص . مضافا إلي عموم المرسل : **لا تصل في ثوب أسود ،** فأما الخف والكساء والعمامة فلا بأس .

نماز در لباس سیاه ، جز عمامه و چکمه و عبا مکروه است . دلیل اطلاق روایات مستفیضة در کراهت پوشش سیاه است . با این که پاره ی از نصوص به کراهت نماز در خصوص کلاه سیاه تصریح دارد و تعلیلش این است که قلنسوه از لباس اهل نار و این تعلیل خاص این مورد نیست بلکه عام است که شامل لباس سیاه هم می شود . علاوه بر آن عموم روایات دیگری در خصوص نماز است که فرموده : در لباس سیاه نماز نخوانید و چکمه و عبا و عمامه را از این عموم استثناء کرده است .

الطباطبائي ، السيد علي ، المتوفى سنة 1231 ه ق ، رياض المسائل ، ج 3 ، ص 201 ، تحقيق ونشر : مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين - قم ، طبع الأولى 1414 هـ

۵. آقا رضا همدانی

نعم يمكن الاستدلال لكراهة الصلاة في الثياب السود بمفهوم التعليل الوارد في القلنسوة فيما رواه في الكافي عن الحسن بن أحمد عن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت له أصلي في القلنسوة السوداء فقال **لا تصل فيها فإنها لباس أهل النار** فإنه يدل علي كراهة كلما هو من لباس أهل النار ومن جملته الثياب السود .

كما يشهد له رواية حذيفة بن منصور قال كنت عند أبي عبد الله عليه السلام بالحيرة فاتاه رسول أبي العباس الخليفة يدعوه فدعي بممطر أحد وجهيه اسود والآخر ابيض فلبسه فقال أبو عبد الله عليه السلام اما اني ألبسه وانا اعلم أنه لباس أهل النار إذ الظاهر أن ذلك من حيث السواد لا خصوصية الممطر ..

وكيف كان فلا تأمل في الحكم خصوصا بعد ما حكى عن بعض من دعوي الاجماع عليه .

ممکن است برای کراهت نماز در لباس سیاه ، به مفهوم تعلیل در روایت امام صادق علیه السلام استدلال شود که حضرت در

پاسخ سؤال از نماز گزاردن در کلاه سیاه فرمود: در آن نماز نخوانید زیرا آن از لباس اهل آتش است. و این تعلیل بر کراهت هر چیزی که از لباس اهل نار باشد؛ دلالت دارد و از جمله لباس اهل نار، لباس سیاه است.

شاهد آن، روایت حدیثه ابن منصور است که تعبیر امام صادق از کت بارانی که یکطرف آن سیاه بود به لباس اهل نار؛ ظاهراً از جهت سیاه بودن آن است نه خصوصیت دیگر آن. به هر حال در حکم (کراهت) جای تأمل نیست به ویژه با ادعای اجماعی که از بعضی حکایت شده است.

الهمدانی، آقا رضا، (متوفای: ۱۳۲۲) مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۲، ناشر: انتشارات مکتبه النجاح- طهران، توضیحات: طبعه حجریه.

۶. صاحب جواهر

صاحب جواهر در ابتدا، عبارت محقق حلی را می آورد:

(التأمنة تكراه الصلاة في ثياب السود ما عد العمامة والخف)

هشتمین مطلب کراهت نماز در جامه سیاه است. به جز عمامه و کفش، یا پاپوش مشکی که استفاده آنها کراهتی ندارد.

و سپس می فرماید:

بلا خلاف اجده في المستثني منه، بل ربما ظهر من بعضهم الاجماع عليه. بل عن الخلاف ذلك صريحا وهو الحجة. مضافاً الي استفاضة النصوص في النهي عن لبسه الذي ربما قيل باستفاضة الكراهة في خصوص الصلاة منه. إما لدعوي اتحاد الكونين كما سمعته في المغصوب، أولاً لأن إطلاق الكراهة يقتضي شمول خصوص الصلاة، ولا ينافيه شمول غيرها، إذ ليس المراد اختصاص الصلاة بذلك من بين الأفراد، بل المراد الكراهة فيها بالخصوص وإن كان غيرها من الأفراد كذلك، وقد سمعت نظيره في استحباب خصوص بعض الأذكار في الصلاة.

در کراهت لباس سیاه در نماز، اختلافی میان علماء نمی یابیم؛ بلکه چه بسا از کلام بعض فقهاء اجماع بر کراهت به دست می آید. این اجماع بر کراهت در کتاب خلاف (شیخ طوسی) صریح است و این حجت است. علاوه بر این که، روایات دال بر کراهت به حد استفاضة است. چه بسا گفته شده است: مستفاد کراهت [از روایت] در خصوص نماز است.

دلیل اجماع بر کراهت یا به دلیل اتحاد کونین (بودن در حال نماز که امر دارد و پوشیدن لباس سیاه که نهی دارد) است؛ چنانچه در بحث مغصوب اتحاد کونین مطرح است. یا به دلیل این که اطلاق کراهت (روایات کراهت مطلق سیاه پوشی) شامل خصوص نماز است و این منافات ندارد که شامل غیر موارد نماز هم بشود (مانند لباس احرام و کفن مردگان) زیرا مراد این نیست که از میان افراد، نماز به کراهت اختصاص دارد بلکه مراد این است که کراهت پوشش سیاه در نماز ویژه است. نظیر این مطلب را در استحباب بعض اذکار خاص داریم که در نماز مستحب است.

ایشان بعد نقل این دو دلیل می گوید: من بی نیاز این تکلف و توجیه هستم خصوصاً این توجیه اخیر؛ زیرا ممکن است عبارات

روایات: لا تصل في ثوب أسود، فأما الكساء والخف والعمامة فلا بأس. وروایت: إني أصلي في القلنسوة السوداء قال: لا تصل فيه فإنها لباس أهل النار. خلاف را ثابت کند. (زیرا این روایات مخصوص نماز است و اطلاقی ندارد که شامل موارد دیگر شود) بعد در ذیل روایت قلنسوه می گوید: ولا ريب في ظهور التعليل فيه بکراهة الصلاة في كل ما كان كذلك.

بعد می گوید: روایاتی که در نهی از پوشش سیاه به صورت مطلق آمده؛ تعبیهای آن لباس فرعون، آنه زی بنی العباس و آنه لباس اهل النار تعلیل است. آشکار است که این نهی از جهت خود این رنگ است نه خصوصیت ممطر مثلاً.

بل من المعلوم كون ذلك من حيث السواد لا خصوصية الممطر، كما أن من المعلوم كون لبسه للتقية، فيتجه حينئذ كراهة الصلاة فيه للتعليل المزبور.

النجفي، الشيخ محمد حسن (متوفاي 1266هـ)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج 8 ص 230، تحقيق: الشيخ عباس القوجاني، ناشر: دار الكتب الإسلامية، طهران، الطبعة: الثالثة، 1367ش.

۸. میرزا جواد تبریزی

سؤال: آیا یکره للمصلي لبس السواد؟ كيف نجمع بين هذا الحكم الشرعي وبين استحباب لبس السواد عزاء علي الحسين عليه السلام؟ جواب: لم يثبت كراهية لبس السواد لا في الصلاة ولا في غيرها، نعم ورد في بعض الروايات ما يستفاد منها كراهية لبس السواد، ولكنها ضعيفة السند، ومع الإغماض عن ضعفها، فالكراهة في الصلاة بمعنى أقل ثواباً، ولبس السواد في عزاء الحسين والأئمة عليهم السلام لأجل إظهار الحزن وإقامة شعائر المذهب مستحب نفسي، وثوابه أكثر من نقص الثواب في الصلاة، والله العالم.

آیا پوشش سیاه در نماز مکروه نیست؟ از آن طرف در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام پوشیدن سیاه مستحب است بین این حکم شرعی و استحباب چگونه باید جمع کرد؟

جواب: کراهت پوشش سیاه در نماز و غیر آن (مطلقاً) ثابت نیست. بلی از پاره ی روایات این کراهت استفاده می شود ولی آنها از نظر سند ضعیف اند. اما با صرف نظر از ضعف سندی آنها، کراهت پوشش سیاه در نماز به معنای کم بودن ثواب نماز است؛ اما پوشش سیاه در عزاداری امام حسین چون به خاطر اظهار حزن و اقامه شعائر مذهب است؛ مستحب نفسی است.

العالمي، (معاصر) الانتصار ج ۹، ص ۲۴۷، ناشر: دار السيرة - بيروت، الطبعة الأولى 1422

بعد از نقل کلمات فقهاء روشن شد که نماز در لباس سیاه مکروه است.

شاید شبهه ای دیگری برای خوانندگان مطرح شود که در ایام محرم و یا ایام شهادت ائمه علیهم السلام که عاشقان و شیعیان آنها سیاه پوش می شوند و با این لباس نماز می خوانند. آیا باز در این موارد حکم کراهت باقی است؟

پاسخ این شبهه را از بیان حاج آقا میرزا جواد تبریزی (اعلی الله مقامه) که از ایشان استفتاء شده است می آوریم:

سؤال: ما حکم اللباس الأسود في الصلاة أيام وفیات الأئمة عليهم السلام، هل هو مکروه؟ جواب: إذا كان اللبس بداع إظهار

الْحَزَنُ وَتَعْظِيمُ الشَّعَائِرِ فُلَيْسَ بِمَكْرُوهٍ، وَاللَّهُ الْعَالِمُ.

اگر این پوشش به انگیزه اظهار حزن و تعظیم شعائر باشد مکروه نیست.

العالمي، (معاصر) الانتصار ج ۹، ص ۲۴۷، ناشر: دار السيرة، بيروت، لبنان الطبعة الأولى 1422

نتیجه:

با دقت در کلمات بزرگان این نتایج به دست می آید:

۱. دلیل فتوا بر کراهت پوشش سیاه در نماز، اجماع است و گاهی از تعلیل در روایات دسته اول و تقید اطلاق روایات دوم و گاهی از روایاتی که در مورد پوشش رنگ سفید است به همراه این دو دسته، بر مطلب استدلال شده است.

۲. فتوای فقهاء بر کراهت است نه حرمت؛ که آن را مستشکل می گفت.

۳. در فتاوی آنها خصوص کراهت پوشش سیاه در نماز است نه مطلقاً در همه جا. چنانچه صاحب جواهر آن را به صراحت

بیان کرده: **ربما قيل باستفاداة الكراهة في خصوص الصلاة منه**. این فتوا بر اساس قانون تقیید و تخصیص است به این بیان

که: روایات دسته اول مخصوص بیان حکم نهی از پوشش سیاه در نماز است. اما روایات دوم از پوشش سیاه مطلقاً نهی می کند. دسته اول دسته دوم را تقیید میکند و کراهت پوشش سیاه در خصوص نماز استفاده میشود پس در غیر نماز کراهت ندارد.

۴. نکته مهم در فتوای فقهاء این است که این کراهت، کراهت اصطلاحی (به معنای رجحان ترك به خاطر نبود مصلحت) نیست؛ بلکه کراهت در این جا به معنای این است که نماز در پوشش سیاه ثوابش کمتر است.

به عبارت دیگر: نهی در این جا ارشادی است، ارشاد به این که نماز در پوشش سیاه ثوابش کمتر از نماز در پوشش سایر رنگها اما مجزی و صحیح است نه این که باطل باشد.

۵. از کراهت لباس سیاه در نماز نیز مواردی مانند عبا و عمامه مشکی استثنا شده است و اگر این موارد در حال نماز باشد مکروه نیست.

با توجه به این نکات و فتاوا، دیگر محلی برای این شبهه باقی نمی ماند که آیا در در ایام عزاداری ائمه علیهم السلام و محرم و عاشورا پوشیدن لباس سیاه، حرام است یا مکروه؟ زیرا نظر علماء بر کراهت در خصوص نماز است و در مورد ایام محرم و سوگواری، سیاه پوشی مستحب است که در بخش سوم به آن پرداخته شده است.

بخش سوم: ادله استحباب سیاه پوشی، نقد تعارض و بیان موارد استثنا

در این بخش مستند فقهاء بر استحباب سیاه پوشی در عزاداری و روایاتی را که از پوشش سیاه نهی می کنند مورد بررسی قرار می دهیم.

فصل اول: مستند فقهاء در فتوا بر استحباب سیاه پوشی در عزاداری

همانطور که گفته شد، علمای شیعه، سیاه پوشی در عزاداری را از مطلق کراهت سیاه پوشی استثنا کرده اند؛ دلیل این کار، روایتی است که با سند صحیح از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است؛ در این جا ابتدا خود روایت را ذکر کرده و سپس سلسه سند آن را مورد بررسی قرار می دهیم:

الْحَسَنُ بْنُ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَيْسَ نِسَاءً بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادِ وَالْمُسُوحِ وَكُنْ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَلَا بَرْدٍ وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَاتِمِ. ابو حفص عمر، فرزند امام سجاد و برادر ناتنی امام باقر می گوید: زمانی که حسین بن علی (علیهما السلام) به شهادت رسید، زنان بنی هاشم لباسهای سیاه و جامه های خشن موین پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی کردند و پدرم، علی بن الحسین (علیهما السلام) به علت (اشتغال آنان به) مراسم عزاداری، برای شان غذا آماده می کرد.

أحمد بن محمد بن خالد البرقي، المحاسن ج 2 ص 420 متوفاي 274 التحقيق: السيد جلال الدين الحسيني، ناشر: دار الكتب الإسلامية- طهران، الطبعة الأولى - 1330 ش

بررسی سند روایت :

۱. الحسن بن ظریف :

نجاشی در باره او می گوید:

الحسن بن ظريف بن ناصح كوفي يكنى أبا محمد ثقة.

حسن بن ظریف از اهل کوفه و کنیه اش ابا محمد و شخص موثق بود:

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص 61، رقم: 140، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، 1416هـ.

۲. ظریف بن ناصح :

نجاشی در باره او می گوید:

ظريف بن ناصح أصله كوفي، نشأ ببغداد، وكان ثقة في حديثه، صدوقاً. له كتب.

ظریف بن ناصح از اهل کوفه و در بغداد بزرگ شد و زندگی کرد، او در روایت موثق و راستگو و دارای کتاب های بود.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص 209، رقم: 553، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، 1416هـ.

۳. حسین بن زید :

نجاشی ایشان را از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام ذکر می کند:

الحسين بن زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام أبو عبد الله يلقب ذا الدمعة. كان أبو عبد الله عليه السلام تبناه ورباه

وزوجه بنت (بنت) الأرقط، روي عن أبي عبد الله وأبي الحسن عليهما السلام.

حسين پسر زید پسر علي بن الحسين كنيه اش ابو عبد الله و لقبش ذالدمعه است. امام صادق (عليه السلام) او را به فرزندى گرفت و تربيت كرد و دختر ارقط را به همسرش در آورد. وي از امام صادق و امام كاظم (عليهما السلام) نقل روايت مي كند.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفاي 450هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص 52 رقم : 115 تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، 1416هـ.

مرحوم مامقاني در تنقيح المقال او را از اعلي الحسان دانسته است:

فهو من اعلي الحسان.

مامقاني، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، ج 1 ص 329 رقم 9025 ناشر: المكتبة المرتضوية، نجف اشرف 1350 هـ

برخي از علماي شيعه و از جمله مرحوم سيد بحر العلوم رضوان الله تعالى عليه اعتقاد دارند كه بناي مرحوم شيخ طوسي در فهرست و مرحوم نجاشي در رجالش اين بوده كه راوياني را نقل كنند كه امامي باشند و اگر غير شيعه هستند، حتماً ذكر مي كنند؛ پس هر راوي را كه اين دو بزرگوار به صورت مطلق آورده است، دلالت مي كند كه صحيح المذهب و همچنين ممدوح به مدح عام هستند.

ايشان در فائده دهم از فوائد الرجاليه مي فرمايند :

فائدة: الظاهر أن جميع من ذكر الشيخ في (الفهرست) من الشيعة الإمامية إلا من نص فيه علي خلاف ذلك من الرجال: الزيدية، والفاطمية، والواقفية وغيرهم، كما يدل عليه وضع هذا الكتاب، فإنه في فهرست كتب الأصحاب ومصنفاتهم، دون غيرهم من الفرق .

وكذا (كتاب النجاشي). فكل من ذكر له ترجمة في الكتابين، فهو صحيح المذهب ممدوح بمدح عام يقتضيه الوضع لذكر المصنفين العلماء والاعتناء بشأنهم وثمان كتبهم، وذكر الطريق إليهم، وذكر من روي عنهم ومن روى عنه .

بحر العلوم الطبائبي، السيد محمد المهدي (متوفاي 1212هـ)، الفوائد الرجالية، ج 4، ص 111-116، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم / حسين بحر العلوم، ناشر: مكتبة الصادق - تهران، 1363ش.

بنابر اين ديدگاه، حسن بن زيد مورد اعتماد است.

۴. عمر بن علي بن الحسن :

شيخ طوسي كنيه او را ابو حفص اشرف برادر ناتني امام باقر عليه السلام و تابعي ذكر مي كند:

عمر بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام، أبو حفص الأشرف، أخوه عليه السلام .

الطوسي ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460) رجال الطوسي، ص 139 رقم 1467، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني،

ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم، الطبعة الأولى 1415

شیخ طوسی او را درجای دیگر او را از اهل مدینه و از تابعان اصحاب دانسته است:

عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، مدنی تابعی، روی عن ابی امامه بن سهل بن حنیف، مات وله خمس وستون سنة، وقيل: ابن سبعين سنة.

الطوسي الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460) رجال الطوسي، ص 252 رقم 449، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم، الطبعة الأولى 1415

شیخ مفید در باره او می گوید:

وكان عمر بن علي بن الحسين فاضلاً جليلاً، وولي صدقات النبي صلي الله عليه وآله وصدقات أمير المؤمنين عليه السلام وكان ورعاً سخياً. وقد روي داود بن القاسم قال: حدثنا الحسين بن زيد قال: رأيت عمر بن علي بن الحسين يشترط علي من ابتاع صدقات علي عليه السلام أن يثلم في الحائط كذا وكذا ثلثة، ولا يمنع من دخله يأكل منه.

عمر بن علي فاضل گرانقدر بود و تولیت صدقات پیامبر (صلي الله عليه وآله) و امیرالمؤمنین (عليه السلام) را به عهده داشت و شخصیتی پرهیزگار و سخاوتمند بود. داود بن قاسم می گوید: حسین بن زید برای ما نقل کرد که: دیدم عمویم، عمر بن علی بن الحسین، با کسانی که صدقات علی (عليه السلام) را از او می خردند شرط کرد که در دیوار [باغ] شکافی ایجاد کنند و مانع کسی که [از آن شکاف] وارد [باغ] می شود تا از میوه های آن میل کند، نشوند.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري، البغدادي (متوفاي 413 هـ) الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد، ج 2، ص 171 تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان، الطبعة: الثانية، 1414 هـ - 1993 م. با توجه به صراحت گفته های رجالیون، راویان سند روایت هیچ گونه مشکلی ندارند و از نظر دلالت هم دلالت این روایت کاملاً بر رحجان پوشیدن لباس سیاه روشن است؛ زیرا از شخصیتهایی هم چون خواهر، همسر و دختران سیدالشهداء (عليه السلام) و نیز ام البنین، همسر وفادار مولای متقیان (عليه السلام)، بعید است کاری سرزند که بر خلاف موازین شرع باشد. البته بعضی از بزرگان در کیفیت دلالت روایت بر استحباب استدلال کرده اند که در بخش قبل، بیان شده است.

فصل دوم: نقد تعارض در روایات

در بخش های قبلی بیان شده که تعدادی از روایات در منابع شیعه وجود دارد که بر نهی از سیاه پوشی دلالت دارد. از طرفی نیز دسته از روایات حاکی از این است که خود ائمه علیهم السلام در بعضی موارد عملاً لباس مشکلی پوشیده اند. در این قسمت هر دو دسته را بررسی نموده و سپس در حل تعارض آنها سخن خواهیم گفت.

الف: روایات نفی سیاه پوشی:

در کتاب علل الشرایع جلد دوم مرحوم شیخ صدوق رحمة الله علیه روایاتی را در باره عدم جواز نماز در لباس سیاه آورده است

که دست آویز شبیهه افکنان شده است. تعداد سه روایت، از پوشش سیاه نهی می کند:

1. أَبِي رَجْمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَصَلِّي فِي قَلَنْسُوءِ السُّودَاءِ قَالَ لَا تُصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

مردی، از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در عرقچین سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: در آن نماز نخوان زیرا لباس سیاه، لباس اهل آتش است.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

این روایت مرسل است؛ زیرا تعبیر «عن رجل» دارد.

2. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقُطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِيمَا عَلَّمَ أَصْحَابَهُ لَا تَلْبَسُوا السُّودَ فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ.

به روایت ابو بصیر، حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم از جدم، از پدرش، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده که آن حضرت از جمله چیزهایی که به اصحابش تعلیم نمود این است که فرمود: لباس سیاه نپوشید زیرا آن لباس فرعون می باشد.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

3. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.

محمد بن الحسن از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از حسین بن یزید نوفلی، از سکونی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به مؤمنین بگو: لباس دشمنان من را نپوشید و طعام دشمنانم را تناول نکنید و راه دشمنان مرا طی نکنید پس شما نیز دشمن من خواهید شد همان طوری که آنها دشمن من هستند.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

طبق نقل بالا روایت موثق و مسند است اما طبق نقل عیون ضعیف است که آن را شیخ صدوق با اضافاتی در اول، با سند دیگر اینگونه نقل کرده است:

حدثنا تميم بن عبد الله بن تميم القرشي عن أبيه عن أحمد بن علي الأنصاري عن عبد السلام بن صالح الهروي قال سمعت أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول أول من اتخذ له الفقاع في الإسلام بالشام يزيد بن معاوية لعنه الله و لقد

حدثني أبي عن أبيه عن أبائه عن علي بن أبي طالب عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي .

شيخ صدوق، عيون أخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 23، ناشر: انتشارات جهان، 1378هـ

ب: روایات اثبات سیاه پوشی

در علل الشرائع بخشی از روایات سیاه پوشی را توسط امام صادق علیه السلام اثبات می نماید:

1. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْثِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِالْحَبِيرَةِ فَأَتَاهُ رَسُولُ أَبِي الْعَبَّاسِ الْخَلِيفَةَ يَدْعُوهُ فِدَعَا بِمِمْطَرَةٍ لَهُ أَحَدٌ وَجْهَيْهِ أَسْوَدٌ وَالْآخَرُ أَيْبِضٌ فَلَبِسَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا إِنِّي أَلْبَسُهُ وَأَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ لِبَاسِ أَهْلِ النَّارِ.

حذیفه بن منصور می گوید: در حیره محضر حضرت ابی عبد الله علیه السلام بودم که رسول و فرستاده ابی العباس خلیفه نزد آن حضرت آمد و حضرتش را دعوت نمود، امام علیه السلام با پوش بارانی را که یک طرفش سیاه و طرف دیگرش سفید بود طلبیده و پوشیدند سپس فرمودند: توجه داشته باشید من این را می پوشم و می دانم که لباس اهل آتش است.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

مرحوم کلینی این روایت با این سند نقل کرده است:

2. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَبِيرَةِ فَأَتَاهُ رَسُولُ أَبِي جَعْفَرِ الْخَلِيفَةَ يَدْعُوهُ فِدَعَا بِمِمْطَرٍ أَحَدٌ وَجْهَيْهِ أَسْوَدٌ وَالْآخَرُ أَيْبِضٌ فَلَبِسَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا إِنِّي أَلْبَسُهُ وَأَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ .

الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الکافی، ج 6 ص 449 ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ. ش.

3. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ كَانَتْ الشَّيْعَةُ تَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ لِبَاسِ السَّوَادِ قَالَ فَوَجَدْنَاهُ قَاعِدًا عَلَيْهِ جَبَّةٌ سَوْدَاءٌ وَقَلَنْسُوءٌ سَوْدَاءٌ وَخَفٌّ أَسْوَدٌ مُبْتَنٌ بِسَوَادٍ قَالَ ثُمَّ فَتَقَ نَاحِيَةً مِنْهُ وَقَالَ أَمَا إِنَّ قُطْنَهُ أَسْوَدٌ وَأَخْرَجَ مِنْهُ قُطْنَ أَسْوَدٌ ثُمَّ قَالَ بِيَضٍ قَلْبِكَ وَالْبَسُ مَا شِئْتَ .

محمد بن الحسن از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن احمد، از علی بن ابراهیم جعفری، از محمد بن فضل، از داود رقی و می گوید: شیعه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام راجع به پوشیدن لباس سیاه سؤال می کردند و دیدیم آن جناب را که نشسته بودند در حالی که جبه ای سیاه به تن و عرق چینی سیاه به سر و موزه ای سیاه که در داخلش پنبه سیاه بود به پا داشتند، راوی می گوید: سپس حضرت قسمتی از موزه را شکافت و فرمود پنبه ای که داخل آن است سیاه می باشد و از آن

قسمت شکافته شده مقداری پنبه سیاه بیرون آورد و پس از آن فرمود: دل و قلب خود را [با قبول ولایت ما] سفید نما و هر چه خواستی بپوش...

تعارض دو دسته از روایات

در دسته اول، روایت نخست از نماز خواندن با عرقچین سیاه نهی می‌کند و در روایات دوم و سوم، سخن در نهی پوشیدن لباس سیاه و لباس اعداء آمده است.

اما دسته دوم می‌گوید: امام صادق علیه السلام در یک مورد با پوش بارانی سیاه پوشید و در نزد خلیفه وقت عباسی رفت. در مورد دیگر از عرقچین، جبه و کفش سیاه استفاده کرد.

بنا بر این از یکطرف نهی از پوشش سیاه و از طرف دیگر عمل امام در سیاه پوشی کاملاً مشهود است. سؤال این است که این تعارض را چگونه باید حل کرد؟

پاسخ تعارض

پاسخ اول: عدم وجود شرایط تعارض در میان روایات

روایات نهی از پوشش سیاه معتبر نیست؛ زیرا از نظر سند، روایت اول مرسل است؛ چون تعبیر (عن رجل) دارد و روایت سوم نیز بر طبق یک نقل شیخ صدوق در عیون الاخبار ضعیف است؛ زیرا عبدالله و پدرش از نظر رجالی مجهول است. فقط روایت دوم می‌ماند که از سند تضعیف نشده است. روی این جهت فقهاء این روایات نهی از سیاه پوشی را حمل بر کراهت کرده اند و آنها فقط در نماز مکروه است.

دسته دوم از روایات که دال بر اثبات سیاه پوشی توسط امام صادق علیه السلام است روایت اولش طبق نقل مرحوم کلینی مرفوع اما طبق نقل شیخ صدوق معتبر است.

حال با توجه به مطالب فوق، هر دو دسته روایت تعارض ندارند؛ زیرا دسته اول موضوع شان کراهت پوشش سیاه فقط در نماز است و طبق روایات دسته دوم، امام صادق علیه السلام در حال نماز آن‌ها را نپوشید. تعارض در صورتی است که در یک مورد نفی و اثبات وارد شود و در اینجا موارد هر دو دسته از روایات کاملاً جدا است.

پاسخ دوم: تقیه در پوشش سیاه

مقصود ائمه علیهم السلام در دسته اول، نهی از تشبه به اعداء الله است؛ که مصداق آن در طول تاریخ عده ای خاصی است. در یک مقطع تاریخ، مصداق اعداء الله فرعون و در مقطع دیگر حاکمان عباسی است که هر یکی از آنها شعارشان پوشش سیاه بود. لذا ائمه علیهم السلام پیروانش را از تشبه به آنان بر حذر می‌دارد؛ اما در حال حاضر پوشیدن لباس سیاه مصداق هیچ یک از آن‌ها نیست؛ بلکه در تمام دنیا رنگ سیاه نماد حزن، اندوه و عزاداری است؛ پس تشبه به اعداء الله در این زمان

مصدق ندارد.

اما طبق دسته دوم روایات، عمل امام (ع) در پوشش سیاه بر حسب «تقیه» است و تقیه یکی از وظایف وجوبی است که در فقه اسلامی جایگاه ویژه دارد و مورد قبول شیعه و اهل سنت است.

مرحوم شیخ صدوق ذیل حدیث پنجم در این باره می گوید:

فعل ذلك كله تقية والدليل علي ذلك قوله في الحديث الذي قبل هذا أما إنني ألبسه و أنا أعلم أنه من لباس أهل النار و أي غرض كان له عليه السلام في أن صبغ القطن بالسواد إلا لأنه كان متهما عند الأعداء أنه لا يري لبس السواد فأحب أن يتقي بأجهد ما يمكنه لتزول التهمة عن قلوبهم فيأمن شرهم .

امام لباس سیاه را از روی تقیه پوشید، دلیل بر آن، فرموده امام علیه السلام در حدیث قبلی است که فرمودند:

توجه داشته باش من لباس سیاه می پوشم و می دانم که آن لباس اهل آتش است.

و هیچ غرض و مقصودی نمی توان برای این تصوّر کرد که آن حضرت پنبه داخل را نیز سیاه قرار داده بودند مگر آنکه حضرتش نزد دشمنان متهم بودند که لباس سیاه نمی پوشند از این رو آن جناب خواستند شدیداً تا آنجایی که امکان داشت رعایت تقیه را نموده تا بدین وسیله از دل های دشمنان تهمت را زایل کرده پس از شر آنها در امان باشند.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي 381هـ)، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۸، ناشر: داوری - قم، الطبعة: الأولى.

لباس سیاه، نماد عباسیان

سیاهپوشی عباسیان دو مرحله داشته است:

1. مرحله پیش از رسیدن به قدرت:

در این مرحله ظاهراً سیاه پوشی آل عباس و پیروان آنان، عمدتاً جنبه اعتراض به ظلم های بنی امیه و اظهار اندوه بر مصائب اهل البیت (علیهم السلام) به ویژه حضرت سیدالشهداء علیه السلام را داشت؛ به همین جهت شعار شان در قیام، خونخواهی از شهدای اهل بیت علیهم السلام بود.

2. مرحله پس از دستیابی به قدرت:

در این مرحله با پیروزی آل عباس و حصول انتقام از خاندان اموی، دیگر وجهی برای ادامه سیاهپوشی (جز در ایام وفات و شهادت) باقی نمانده بود و بایستی سران دولت عباسی به سیاه پوشی خویش پایان می دادند؛ اما چنین نشد و سیاه پوشی [به شکل و شیوه ای خاص، متمایز از سیاه پوشی معمول شیعیان] در قالب کلاه های مخروطی دراز و سیاه رنگ (قلنسوه سواد) و جبه های جلو باز منقوش به برخی آیات قرآن (سواد) شعار معمول عباسیان گردید و به نشانه بستگی و اطاعت مردم از رژیم جدید، الزامی شد.

سیوطی در این زمینه می نویسد:

وفي سنة ثلاث وخمسين أزم المنصور رعيته بلبس القلانس الطوال فكانوا يعلمونها بالقصب والورق ويلبسونها السواد.

در سال 53 هجری منصور عباسی پیروانش را به پوشیدن کلاه سیاه دراز ملزم کرد، آنان این کار را در ده ها اعمال می کردند و برای همه جا نوشتند و این رنگ را می پوشیدند.

السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفاي 911) تاريخ الخلفاء، ج 1، ص 262: تحقيق: محمد محي الدين عبد الحميد، دار النشر: مطبعة السعادة - مصر - 1371هـ - 1952م، الطبعة: الأولى.

طبري مورخ معروف اهل سنت ایام منصور دوانقي را این گونه گزارش می کند:

أبو الحسن الحذاء قال: أخذ أبو جعفر الناس بالسواد فكنت أراهم يصبغون ثيابهم بالمداد.

علي بن الجعد قال: رأيت أهل الكوفة أيامئذ أخذوا بلبس الثياب السود حتي البقالين إن أحدهم ليصبغ الثوب بالأنفاس ثم يلبسه ابوالحسن حذاءً مي گوید: منصور دوانقي مردم را وادار به پوشیدن سیاه می کرد و من می دیدم که آنها جامه های خود را با جوهر سیاه رنگ می کردند.

علي بن جعد مي گوید: اهل کوفه را در روزهایی که مجبور به پوشیدن لباس سیاه بودند مشاهده کردم. حتی بقالها، جامه خویش را با جوهر مشگی رنگ کرده و سپس بر تن می کردند

الطبري، أبي جعفر محمد بن جرير، (متوفاي: 310) تاريخ الطبري، ج 4، ص 466، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

با صراحت تاریخ، در حقیقت، بعد از به قدرت رسیدن عباسیان، موضوع سیاه پوشی به عنوان عزای اهل بیت (علیهم السلام) بکلی منتفی شده و انگیزه های دیگری چون اظهار قدرت و ارباب مخالفین [به ویژه خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله] جایگزین شده بود.

به خاطر همین اندیشه های پست بود که آنان پس از استحکام پایه های قدرت خویش از هیچ کوششی برای حبس و تبعید و قتل و غارت فرزندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) خودداری نکردند و در این راه، حتی گوی سبقت را از بنی امیه نیز ربودند! اعتراف «مأمون» شاهد زنده بر این مطلب است، آنجا که در نامه مشهورش به بنی عباس می نویسد:

ثم نحن وهم يد واحدة [كما زعمتم] حتي قضي الله تعالي بالأمر إلينا، فأخفناهم. وضيقتنا عليهم، وقتلناهم أكثر من قتل بني أمية إياهم. ويحكم، إن بني أمية إنما قتلوا من سل منهم سيفا، وإنا معشر بني العباس قتلناهم جملا، فلتسألن أعظم الهاشمية بأي ذنب قتلت، ولتسألن نفوس ألقيت في دجلة والفرات، ونفوس دفنت بغداد والكوفة أحياء.

ما و آل علي، همان گونه که می دانید، با هم يد واحدة بودیم تا آنکه دست تقدیر کار حکومت را به ما واگذاشت. پس ما آنان را ترساندیم و بر آنها سخت گرفتیم و آنان را بیشتر از بنی امیه کشتیم. وای بر شما! بنی امیه تنها کسی را می کشتند که به روی آنان شمشیر می کشید؛ اما ما - جماعت بنی عباس - آنها را گروه گروه کشتیم.

همانا، در باب استخوانهای بنی هاشم - در روز بازپسین - از شما سؤال خواهد شد که [صاحبان آن] به چه جرمی کشته شدند؟! و نیز در باب نفوسی که [توسط شما] به رود دجله و فرات ریخته شدند و جماعتی که در بغداد و کوفه زنده به گور شدند، مورد سؤال قرار خواهید گرفت.

العالمی، جعفر مرتضی، حیاة الأمام الرضا (علیه السلام)، ص 456، ناشر: دار التبلیغ اسلامی - قم 1398 هـ.

و زمانی که عبدالصمد بن علی، عموی منصور، وی را به خاطر شتاب در مجازات مخالفان و اینکه گویا نامی از عفو نشنیده سرزنش کرد، منصور به وی گفت:

إن بنی مروان لم تبل رممهم، وأل أبي طالب لم تغمد سیوفهم - ونحن بین قوم رأونا بالأمس سوقة، والیوم خلفاء، فلیس تتمهد هیبتنا إلا بنسبنا العفو، واستعمال العقوبة.

هنوز استخوانهای بنی مروان نبوسیده و شمشیرهای خاندان ابوطالب در نیام نرفته است. ما بین مردمی زندگی می کنیم که دیروز، ما را مردمی عادی و بی نام و نشان دیده و امروز خلیفه می بینند. پس هیبت ما جز با از یاد بردن عفو و گذشت، و به کار بستن مجازات فراهم نمی شود.

الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفای 748 هـ) تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج 9، ص 470 تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، دار النشر: دار الكتاب العربی، لبنان/ بیروت، 1407 هـ - 1987 م، الطبعة الأولى

السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، (متوفای: 911) تاریخ الخلفاء، ج 1، ص 267 تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، دار النشر: مطبعة السعادة، مصر، 137 هـ - 1952 م، الطبعة الأولى.

همین منصور به امام صادق (علیه السلام) گفت:

لأقتلنک، ولأقتلن أهلك، حتی لا أبقی علی الأرض منکم قامة سوط.

قطعاً تو را می کشم و حتماً خانواده ات را به قتل می رسانم. حتی کسی از شما را که قامتش به اندازه طول تازیانه ای باشد بر روی زمین باقی نمی گذارم

ابن شهر آشوب، (متوفای 588 هـ) مناقب آل أبی طالب ج 3، ص 357 تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: مطبعة الحیدریة- النجف الأشرف، 1376 - 1956 م

با توجه به این تکه های تاریخی، روشن می شود که عباسیان بعد از رسیدن به قدرت، نیت پلید درونی (دشمنی با اهل بیت) خویش را با کشتن پیشوایان دین و فرزندان پیامبر صلی الله علیه وآله که برگزیدگان الهی و هادیان بشر بودند، ظهور و بروز دادند و با این کار دشمنی خود را با خداوند نیز اثبات کردند؛ زیرا دشمنی با آنها در حقیقت دشمنی با خداوند است و هر کسی آنها را به شهادت رساند دشمن خدا است. به همین جهت در روایت امام صادق علیه السلام از تشبه به اعداء الله در پوشش، نوع غذا و روش و منش نهی شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي 381هـ)، علل الشرائع ج 2، ص 348، ناشر: داوري - قم، الطبعة: الأولى.

مرحوم شيخ صدوق در توضیح این روایت می فرماید:

لباس الأعداء هو السواد، ومطاعم الأعداء هو النيذ والمسكر والفقاع والطين والجري من السمك والمارماهي والزمير و الطافي وكل ما لم يكن له فلوس من السمك و لحم الضب والأرنب و الثعلب وما لم يدف من الطير وما استوي طرفاه من البيض والديبي من الجراد وهو الذي لا يستقل بالطيران و الطحال ومسالك الأعداء مواضع التهمة ومجالس شرب الخمر والمجالس التي فيها الملاهي ومجالس الذين لا يقضون بالحق والمجالس التي تعاب فيها الأئمة والمؤمنون ومجالس أهل المعاصي والظلم والفساد لباس دشمنان، همان پوشش سیاه و غذای آنان آب انگور مسکر (شراب) و آب جو و خاک و انواع ماهی مانند جری، (نوعی از ماهی ولی از جنس انسانهای مسخ شده امت های پیشین است) مارماهی، زمیر (گونه ای از ماهی است که بر پشت خار درشتی دارد و اغلب در آبهای رودخانه وجود دارد.) و طافی (ماهی مرده ای که بالای آب می آید) و کل انواع ماهی که فلس (پولک) ندارد و گوشت سوسمار، روباه و شغال و گوشت پرنده ای که در حال طیران بالهایش را به هم ن می زند (مانند کرکس و باز) و تخمی که دو طرف آن مساوی است (یعنی سر و ته آن معلوم نباشد) و ریز ترین ملخ قبل از این که طیران کند و طحال (گوشت سیاه عریضی در شکم انسان و چسپیده به پهلو) است.

مراد از مسالك و روش اعداء، حضور در مواضع تهمت و مجالس نوشیدنی های حرام مانند شراب است و مجالس لهو و مجالسی که به حق در آن حکم نمی شود و مجالس توهین به ائمه علیهم السلام و مؤمنان و مجالس اهل عصیان و ظلم و فساد است.

شيخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 24، ناشر: انتشارات جهان، 1378 هجری قمری.

و در دسته دوم از روایات که امام صادق علیه السلام در برخی موارد لباس سیاه پوشید از باب تقیه و خوف کشتن خود به دست این اعداء الله بوده است و یکی از موارد کار برد تقیه، تقیه از سلطان جابر و ستمگر است حالا فرق نمی کند این حاکم، حاکم اسلامی باشد یا کافر.

با توجه به این مطلب، امام صادق علیه السلام در زمان خلفای عباسی می زیسته است و آنها در ظاهر سنگ اسلام و مسلمانی را به سینه می کوبیدند، اما در عمل با فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله که خود آورنده آیین اسلام و مروج آن در میان بشر بود؛ آن چنان رفتار کردند که بازگویی و باز خوانی آن، شرم آور است. و کار را به جایی رساندند که امامان اهل بیت علیهم السلام نتوانستند از خانه خود بیرون آیند و با دوستان و پیروان شان معاشرت داشته باشند و نتوانند آزادانه به

عقاید خود عمل نمایند به این جهت برای حفظ جان خود و شیعیان‌ش مجبور به تقیه شدند.

در این شرایط است که می‌بینیم ائمه و از جمله امام صادق علیه السلام از این حکم ثانوی استفاده می‌کند. بنابراین، از نظر اسلام در صورت ترس ضرر بر نفس خود و دیگران تقیه جایز و واجب است.

نکته مهم در بحث تقیه و کلاً در احکامی که عناوین ثانویه به خود می‌گیرد این است که اگر در موردی حکمی با عنوان ثانوی آمد، موضوع حکم اول برداشته می‌شود و حکم ثانویه مستقلاً اعمال می‌شود.

در مورد بحث ما طبق روایات، حکم اولی پوشش سیاه، کراهت است اما در صورتی که موضوع تقیه قرار بگیرد حکم کراهت به کلی برداشته می‌شود و تقیه با حکم وجوبی اش جای آن را می‌گیرد. پس عمل امام علیه السلام تعارض با روایات ندارد.

فصل سوم : موارد استثنا از لباس سیاه (غیر از عزاداری)

در بسیاری از موارد، در کتب شیعه و سنی، مواردی نقل شده است که پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عمامه سیاه پوشیده و یا مواردی را (در غیر از عزاداری) از پوشش سیاه استثنا کرده‌اند که به ذکر آنها می‌پردازیم :

عمامه سیاه رسول خدا(ص)

۱. حدثنا علي أخبرني حماد بن سلمة عن أبي الزبير عن جابر أن رسول الله صلي الله عليه وسلم دخل يوم الفتح مكة وَعَلِيَّهِ

عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ.

جابر می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه در حالی که عمامه سیاه بر سر داشت وارد مکه شد.

الجوهري البغدادي، علي بن الجعد بن عبيد أبو الحسن الوفاة: 230، مسند ابن الجعد ج 1، ص 478، تحقيق: عامر أحمد حيدر، دار النشر: مؤسسة نادر - بيروت، الطبعة: الأولى - 1410 - 1990.

الشييباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الوفاة: 241، مسند الامام أحمد بن حنبل ج 3، ص 363، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري الوفاة: 261، صحيح مسلم ج 2، ص 990، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

الترمذي السلمي، محمد بن عيسى أبو عيسى الوفاة: 279، سنن الترمذي ج 4، ص 196، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت،

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 4، ص 61، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

عمامه سیاه امیر مومنان علی (ع)

۲. أخبرنا الفضل بن دكين قال أخبرنا شريك عن جابر عن مولي لجعفر فقال له هرمز قال رأيت عليا عليه عمامة سوداء قد أرخاها من بين يديه.

جابر می گوید: هرمز غلام جعفر گفت: علی علیه السلام را دیدم که عمامه سیاه بر سر داشت که (یک سر) آن را از پیش رو (بر شانه) انداخته بود.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري (الوفاة: 230)، الطبقات الكبرى ج 3، ص 29، دار النشر: دار صادر - بيروت؛

البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفى 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 1، ص 196، طبق برنامه الجامع الكبير.

طبق نقل ابو حاتم تميمي عمامه سیاه پوشیدن امام علي در بصره بوده است:

زيد بن عبد الله بن أبي إسحاق يروي عن أبيه عن جده قال رأيت عليا بالبصرة وعليه عمامة سوداء من خز.

التميمي البستي، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفى 354 هـ)، الثقات، ج 6، ص 316، تحقيق السيد شرف الدين أحمد، ناشر: دار الفكر،

الطبعة: الأولى، 1395هـ - 1975م.

عمامه سیاه امام حسن مجتبی (ع)

این قطعه از تاریخ را احمد حنبل این چنین نقل کرده است:

حدثنا عبد الله قال حدثني أبي نا وكيع عن شريك عن عاصم عن أبي رزين قال خطبنا الحسن بن علي بعد وفاة علي وعليه

عمامة سوداء فقال لقد فارقتكم رجل لم يسبقه الأولون بعلم ولا يدركه الآخرون.

ابی زین می گوید: بعد از در گذشت علی، (پسرش) حسن در حالی که عمامه سیاه بر سر داشت برای ما خطبه خواند. و

فرمود: مردی از میان شما رفت که از نظر مقام علمی کسی [جز رسول خدا] بر او پیشی نگرفت و بعد از او نیز همانند او

نخواهد بود.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: 241، فضائل الصحابة، ج 2، ص 600، تحقيق: د وصي الله محمد عباس،

دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403-1983

نسائی در دو کتابش و دولابی این روایت را از طریق دیگر اینگونه آورده اند:

أخبرنا إسحاق بن إبراهيم ابن راهويه قال أخبرنا النضر بن شميل قال حدثنا يونس عن أبي إسحاق عن هبيرة بن يريم قال

خرج إلينا الحسن بن علي وعليه عمامة سوداء فقال لقد كان فيكم بالأمس رجل ما سبقه الأولون ولا يدركه الآخرون وإن رسول

الله صلي الله عليه وسلم قال لأعطين الراية غدا رجل يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله فقاتل جبريل عن يمينه وميكائيل

عن يساره ثم لاترد يعني رأيته حتي يفتح الله عليه ما ترك دينارا ولا درهما إلا سبعمائة درهم أخذها من عطائه كان أراد أن

يبتاع بها خادما لأهله.

هبیره ابن یریم می گوید: حسن بن علی در حالی که عمامه سیاه بر سر داشت به سوی ما آمد و فرمود: دیروز در میان شما

مردی بود که پیشینیان بر او (در علم و...) سبقت نگرفت و بعد از او دیگران هم به مقام او نمی رسند. همانا رسول خدا

صلی الله علیه وآله (در جنگ خیبر) در باره او فرمود: فردا پرچم را به دست مردی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و

خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، پس جبرئیل از طرف راست و میکائیل از جانب چپ او جنگیدند و سر انجام با پیروزی برگشت. هیچ درهم و دیناری برجای نگذاشت جز هفت صد درهم که آن را حقوق خود گرفته بود و می خواست توسط آن برای اهلش خدمت کار تهیه کند.

النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفاي 303)، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، ج 1، ص 46، تحقيق: أحمد ميرين البلوشي، دار النشر: مكتبة المعلا- الكويت - الطبعة: الأولى، 1406،

النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفاي 303هـ)، سنن النسائي الكبرى ج 5، ص 112، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، الناشر: دار الكتب العلمية- بيروت- الطبعة: الأولى 1411 - 1991

الدولابي، الإمام الحافظ أبو بشر محمد بن أحمد بن حماد الوفاة: 310، الذرية الطاهرة النبوية، ج 1، ص 78، تحقيق: سعد المبارك الحسن، الناشر: دار السلفية - الكويت- الطبعة: الأولى، 1407

عمامه سیاه امام سجاد

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَدَخَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَمْ أَتْبِثْهُ وَعَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ قَدْ أُرْسِلَ طَرْفَيْهَا بَيْنَ كَتْفَيْهِ...

از عبد الله بن سلیمان از پدرش: با پدرم در مسجد بودیم که حضرت علی بن-الحسین (ع) وارد شد، و من حضرت را [تا هنوز] ندیده بودم، و عمامه ای سیاه بسر داشت که دو طرفش را بر شانه هایش انداخته بود.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج 6، ص 63، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش

استثنای کفش و عباي سیاه

۱. وَرَوِيَ لَا تُصَلَّى فِي ثَوْبٍ أَسْوَدَ فَأَمَّا الْخُفُّ أَوْ الْكِسَاءُ أَوْ الْعِمَامَةُ فَلَا بَأْسَ

در لباس سیاه نماز نخوانید. ولی چکمه و عبا و عمامه اشکالی ندارد.

الكليني الرازي، أبي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفاي 328 هـ)، الكافي، ج: 3، ص 403 ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُكْرَهُ السَّوَادُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: لباس سیاه مکروه است مگر در سه مورد: عمامه و چکمه و عبا.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفاي 460 هـ)، تهذيب الأحكام، ج 2، ص 213، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخراسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش.

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثِ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج ۶، ص ۴۴۹، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ. ش.

البته قبلاً گفته شد که این روایات دال بر استثنا، سند صحیح ندارند.

نتیجه کلی

از مطالبی که در سه بخش ذکر شد نتایج ذیل به دست می آید:

1- در مصائبی که بر خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله در طول تاریخ وارد شده خود اهل بیت علیهم السلام، علاوه بر عزاداری در ماتم آنها لباس سیاه بر تن نمودند. که نمونه های فراوانی بیان شد و بعضی این موارد فعل خود امام معصوم است و این بزرگترین دلیل بر مشروعیت و استحباب عزاداری و اظهار مظاهر آن است. بنا براین، روایاتی که در باب مذمت سیاه پوشی وارد شده با عمل ائمه تخصیص می خورد.

از این جا به دست می آید که:

اولاً: پوشش سیاه در فرهنگ شیعه، اقتداء به عمل خود اهل بیت است.

ثانیاً: يك نوع اظهار همدردی و محبت به اهل بیت خصوصاً صاحب عزای اصلی و آخرین ذخیره الهی در دوره غیبت امام زمان علیه السلام است.

ثالثاً: از نظر روان شناسی نیز پوشش سیاه در هنگام رخداد مصیبت و عزاداری کاهش دهنده آلام ناشی از مصیبت و بر طرف کننده اضطراب است.

رابعاً: این روایاتی که در مذمت و نهی از پوشش سیاه وارد شده نمی گوید که پوشش سیاه فی نفسه مکروه است بلکه حکم کراهت آن معلق است به این بیان که اگر به قصد تشبه به جباران تاریخ مانند فرعون و حاکمان عباسی (که آنان این رنگ را پوشش رسمی خود قرار دادند و از آن سوء استفاده کردند) باشد ممنوع است و اگر به قصد اظهار عزا در مصیبت اهل بیت و پیروانش باشد مستحب است.

2- فقهاء با توجه به روایات ناهمی، استفاده از این رنگ را فقط در نماز مکروه می دانند و مسأله عزاداری امام حسین و ائمه اطهار علیهم السلام را از حکم کراهت استثناء کرده اند و در خصوص عزاداری با تکیه به روایتی که (از نظر سند محکم است) در محاسن برقی آمده قائل به استحباب سیاه پوشی شده اند؛ زیرا این روایت، سیاه پوشی زنان هاشمی را در سوگ سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام بیان می کند که در محضر امام سجاد علیه السلام صورت گرفت و حضرت آن ها

را از این کار منع نکرد بلکه با سکوت خود و تهیه طعام برای آنها در آن مدت، عملشان را تأیید کردند و این دلیل است که نه تنها پوشش سیاه، بلکه اقامه مجالس عزاداری، اطعام به عزاداران و خدمت‌گزاری و هر نوع تلاش در خدمت‌گزاری به این مجالس يك امر راجح است.

و از طرف دیگر روایات زیادی در رابطه با استحباب اظهار عزاداری وارد شده که یکی از مظاهر آن سیاه پوشیدن در ایام عزاداری اهل بیت علیهم السلام است.

3- در مقام تعارض روایات نفي سیاه پوشی و روایات اثبات سیاه پوشی (که نشانگر عمل خود ائمه علیهم السلام است) دو پاسخ داده شده است:

اولاً: این دو دسته روایات با هم تعارض ندارند؛ زیرا یکی از شرایط تعارض وحدت در مکان است به این معنا که در يك مورد نفي و اثبات وارد شود در حالیکه در مورد بحث ما روایات نافي پوشش سیاه، در مورد نماز (که فقهاء این روایات را حمل بر کراهت در نماز کردند) و روایات اثبات، موردش غیر نماز است و با فقد شرط تعارضی نیست.

ثانیاً: عمل امام علیه السلام از باب تقیه بوده است که در دین اسلام در صورت احساس خطر و ضرر بر نفس خود یا مسلمان دیگر تقیه يك امر واجب و ضروری است. از آنجائی که امام صادق علیه السلام در عصر حاکمان عباسی می زیست و آنان از هیچ تلاشی در آزار و اذیت فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله و پیروان شان فروگذار نمی کردند، حضرت در بعض موارد از باب تقیه لباس سیاه پوشیده و به پیروانشان نیز هشدار داده اند.

نکته مهم در باب تقیه این است که تقیه موضوع حکم اول را بر می دارد لذا در این مورد اگر پوشش سیاه حکمش کراهت باشد، تقیه که آمد حکم اولی (کراهت) را بر می دارد.

مواردی که از پوشش عمامه سیاه توسط رسول خدا و امام علی و امام سجاد علیهم السلام در منابع اهل سنت و شیعه ذکر شده؛ جزء استثنائات است و در آن هیچگونه حکم کراهت یا حرمت نیست و این موارد نمی تواند پاسخ ما را در حل تعارض روایات نقض نماید.

مرفوع باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)